کارگران جهان متحد شوید!

۱۱۶

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

سال سوم- دوشنبه نهم شهریور ۱۳۶۰ بها ۲۰ ریال

سرمقاله

مجاهدین و تاکتیکهای ماجراجویانه

در شرایطی که پیچیدگی اوضاع سیاسی، بحران اقتصادی و کشمکش سیاسی قوای موجود، بیش از هر زمانی مسئله تاکتیک های سنجیده و سوده ای را که بتواند به تکامل و گسترش مبارزه و مقاومت توده ای یاری رساند، از اهمیت برخوردار کرده است، ما شاهد موجی از تاکتیک های آشوبگرانه و انحرافی در جنبش انقلابی روبرو گشته ایم که حتی دامنه آن به درون جنبش کمونیستی نیز کشیده شده است. سرآمد این مشی و تاکتیک انحرافی، جنبشی با تاکتیک ترور، با توجه به عوارض و پی آمدهای نامطلوب و زیانبار آن، با رد دیگر مبارزه ایدئولوژیک با تاکتیک های آشوبگرانه و خرده بورژوایی و غیرتوده ای را در دستور کار نیروهای آگاه و مترقی قرار داده است. لیکن نباید از خاطر برد که علیرغم تاثیرات زیانبار این تاکتیک ها، انحرافات فوق که توسط نیروهای دمکرات انتخاب شده است، انحرافی است در درون جنبش انقلابی. این واقعیت ما را موظف می سازد که ضمن مبارزه ایدئولوژیک فعال و همه جانبه با این انحراف در درون جنبش، نباید از جنبه انقلابی و ضد ارتجاعی آن و از جنبه مبارزه جویانه آن در برابر دشمن حمایت کرد. طبیعی است که این حمایت طبیعتا به معنی حمایت از مشی آشوبگرانه خواهد بود. با توجه به این نکته طبیعی است که ما هرگز اجازه نمی دهیم که دشمنان انقلاب، رژیم جمهوری اسلامی و رویزیونیست های منحط آن، از این استفاده ایدئولوژیک - سیاسی و اختلافات تاکتیکی ما به نفع خود بهره جوئی نمایند. رژیم جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

"بهشت موعود" خمینی!

خمینی: باغبان بهشت یا مالک دوزخ؟!

خمینی، در سال ۵۷، زمانی که با تزلزل بسیار و با استفاده بیرحمی از خواستهای انقلابی توده ها فریبکارانه سکوت مرگبار امواج خروشان توده ای سوار شود، با سوء استفاده از بی آگاهی توده ها و عدم وجود رهبری طبقه کارگر، مبارزات زحمتکشان را از پا درآورد و عده میداد که جامعه مورد نظرش و نوعی بهشت است، با وعده "آزادی" و "عدالت اجتماعی" و "خوشبختی مستمندان" و ... سخن میگفت و دنبال وارد مردم را میفریفت. اکنون او بهشت موعود خود را بر روی زمین بنا کرده است:

- در این "بهشت" کارگران و زحمتکشان، در شهرها و روستاها هیچ سهمی از نظام موسسات نبرده اند بلکه علاوه بر فقر و بیکاری و مدهای رنج و محرومیت روز افزون بیش از ۲ میلیون مهاجرشان بیکار شده.

- اعضای خانواده در منطقه جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق به حراج و نابودی کشیده شده و علاوه بر ۲ میلیون مهاجر آواره و هزاران شهرک نشین خود را از دست داده اند. میلیاردها تومان عایدات حاصل از نفت در تاسیسات نظامی و جنگی و جنگ ارتجاعی این منطقه حاصل شده است.

بقیه در صفحه ۱۰

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی، ناقوس مرگ رژیم را می نوازد

کمونیست پیکارگر رفیق جمهور طهماسبی
شهید یاران بدست رژیم جمهوری اسلامی

کمونیست پیکارگر رفیق مجتبی زرگری
شهید یاران بدست رژیم جمهوری اسلامی

کمونیست پیکارگر رفیق حمید شجاعی
شهید یاران بدست رژیم جمهوری اسلامی

کمونیست پیکارگر رفیق داریوش رمازاده
شهید یاران بدست رژیم جمهوری اسلامی

کمونیست پیکارگر رفیق مجید سکهداری
شهید یاران بدست رژیم جمهوری اسلامی

کمونیست پیکارگر رفیق فریدون توکلی
شهید یاران بدست رژیم جمهوری اسلامی

"حزب توده" و "فدائیان اکثریت" نوکران و جاسوسان جلاد رژیم جمهوری اسلامی

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ...

نیروهای قوی را تروریست می نامد و میکوشد تا هوا داران انحرافات قوی کل جنبش انقلابی را مورد ضربه قرار دهد. همچنین رویزیونیست های جاسوس توده ای و اکثریت می کوشند تا با اطلاق "آنارشیسم" به این تاکتیک و خط پیشی، نه تنها مبارزه قهرآمیز و مشی انقلابی را بطور کلی به زیر سوال برند و آن را نفی نمایند، بلکه حمایت مدافعان انقلابی خویش را از رژیم جمهوری اسلامی حفاظت بخشند و هرگونه مبارزه ای را با ارتجاع حاکم ممنوع نمایند. بر این اساس روشن است که پرولتاریای آگاه از نیروی دمکرات و نیروهای کمونیستی که این مشی انحرافی را در پیش گرفته اند در برابر نیروهای نوپا جماعت مدافع انقلابی رژیم حاکم و همدستان رویزیونیست آنها حمایت میکند و به افشای سیمای این نیروهای ارتجاعی میپردازد و مبارزه ایدئولوژیک خود را مبارزه ای در درون جنبش خلق قلمداد میکند، ضمن آنکه یک لحظه از مکر مبارزه برای پالایش درون جنبش از انحرافات قوی غافل نشود. با توجه به همین نکته است که ما وظیفه خود میدانیم با مشی تاکتیکی آنارشیستی قوی الذکر، به سهم خود به مبارزه برخیزیم. نیروهای توده ای و پرولتری پشتیبانی نمائیم و از برآمد و توسعه این تاکتیک انحرافی و نتایج مترتب بر آن تا حد ممکن جلوگیری نمائیم.

■ ■ ■

با اوجگیری بحران سیاسی جامعه، افزایش سطح نارضایتی توده ها و ریزش شتاب آلود توهم آنها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی پویژه ضایع اصلی آن یعنی حزب جمهوری و نظر این شتابیر شرایط ذهنی توده ها در حرکات و مبارزه مستقل توده ای، ارتجاع حاکم، بیش از پیش خود را ناچار دیده که به تشدید سرکوب و دیکتاتوری روی آورد و سرنیزه را بطور جدی در دستور کار خویش قرار دهد. حرکت رژیم جمهوری در سرنیزه ارتجاع سیاسی، که بتوان از تمرکز در قدرت سیاسی به دست حزب جمهوری اسلامی، صورت میگرفت نمی توانست با ارتباب مشخصی در جریان طبیعی پیشرفت و تکامل جنبش باقی نگذارد. تعرض رژیم به انقلاب، دستاوردهای قیام و مبارزات توده ها و نیروهای انقلابی تشکلی همه جانبه و وسیع، در سراسر یطی صورت میگرفت که جنبش علیرغم سیر پیش رونده اش و علیرغم پتانسیل انقلابی درونی آن، در بخش عمده هنوز مراحل ابتدائی رشد خود را طی میکرد. سطح تشکل و سازمان یافتگی مبارزات آنها ضعیف و نازل بود و جنبش علیرغم اینکه وجهزهای دوره اخیر در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب اساسا خصلت دفاعی داشت. در چنین وضعیتی که توازن قوا هنوز به نفع ارتجاع بود، تعرض سازمان یافته و گسترده رژیم، بطور طبیعی در جنبش بصورت یک عقب نشینی موقت بازتاب می یافت که الزاما بر خصلت دفاعی جنبش بیش از پیش میافزود و آنرا وا میداشت که برای مقابله با این تعرض گسترده و همه جانبه بیک مقاومت همه جانبه دست زند. این مقاومت توده ای را هم اکنون ما در همه عرصه های جنبش و علیرغم وجود فضای اختناق، سرکوب و کشتار روشنفکران و عناصر ناشی از آن در جامعه در میان توده ها به شکل اولیه خود شاهد هستیم. طبیعی است که نمی توان انتظاری داشت با این سطح از تشکل مبارزه و جنبش و آگاهی توده ها و با این توازن قوای موجود، شاهد سرنگونی سریع یکباره و گسترده مقاومت توده ای باشیم. لیکن از هم اکنون روشن است که این مقاومت توده ای، که کنون در وجه عمده اش صورت مشکل نیافته مشی خرده بورژوائی دارد، روز بروز گسترش یافته و زمینه تعرض آتی جنبش را فراهم خواهد ساخت.

در جنبش مترقی و رادیکال جنبش و انقلاب و ضد انقلاب و سایر قوا، بخش کمیتی از مبارزه و مقاومت توده ای، نیروهای آگاه انقلابی سیاسی سطح جنبش و مقاومت توده ای در عرصه های مختلف، و نیروی و ظرفیت خود به کمک این مقاومت و مبارزات مشی آن و ارتقاء اشکال مبارزه و مقاومت توده ها از سطوح عملی آن به سطوح بالاتر و مدارک برای تعرض آتی جنبش می بود. کاربرد و یا نحوه اشکال قهرآمیز مبارزه در این شرایط، در مقیاس سراسری جامعه (چرا که در کردستان این مبارزه قهرآمیز عملا جریان داشت) نه تنها بهیچ وجه یک تاکتیک منحصر و مناسب با وضعیت جنبش نبوده بلکه حرکت خطرناکی بود که زیانها و اثرات منفی حدی و بسیار عمیق بیشتر حرکت طبیعی جنبش و سیر تکامل آن باقی میگذاشت. اما علیرغم این ناسنجیدگی تاکتیک مسلحانه در شرایط موجود، سازمان مجاهدین خلق که برگزاری لیبرالها را همان نقطه عطف پایان یافتن "مشروعیت" رژیم قلمداد میکرد و مدتها مروجان آخرین بقایای توهمات نسبت به حزب در مقیاس وسیعی تاکتیک تعرض مسلحانه را، در شکل جریکی آغاز نمودند و با گسترش سریع این حرکات مسلحانه، با توجه به گستردگی سنگیلانی و توده ای خود، فضای جامعه را بحث تا شیر سایر نیروهای سیاسی از این حرکات قرار داده و از این رهگذار لطمات جدی و بسیار عمیق بر پیکر جنبش وارد ساختند.

اینجا رد فشار مرکزی حزب جمهوری اسلامی، سرآغاز این تعرض مسلحانه بود. این انفجار، علیرغم آنکه مربوط تشکیلاتی - و هم سیاسی - تنگیهی برای ارتجاع حاکم وارد آورد، و علیرغم آنکه توده گشتری را از معدوم شدن تشدد زیادی از چهره های منفور ارتجاعی مردمی از رژیم به دلشاد نمود (و طبیعی هم بود که چنین باشد)، لیکن حوادث و عوارض بعدی نشان داد که این عمل تا چه حد تاثیرات زیانبار و نامطلوبی را بر جنبش توده ای و در فضای سیاسی جامعه برجای گذاشته است. تداوم این حرکات و گسترش آن در فضای بحرانی جامعه، همانطور که از قبل قابل پیش بینی بود (ما در سرمقاله پیکار ۱۱۳ بدان اشاره کردیم) با تاثیر مشخص بر روند سیاسی جامعه، حرکت نقاط دها را در بستر کوری به جریان انداخت که هم اکنون شاهد نتایج و آثارش می باشیم.

پیش از آنکه به این نتایج و پی آمدها و آثار مخرب و زیانبار تاکتیک مجاهدین بپردازیم، لازم است متذکر شویم که در پیش گرفتن این تاکتیک از جانب سازمان مجاهدین، علیرغم اینکه جریکی و رابطه آن با مشی جدا از توده ها این سازمان دقیقا با خط مشی سیاسی ای که این سازمان در پیش گرفته است مرتبط است. و درست در همین رابطه است که خط مشی تاکتیکی مجاهدین، در عین خصلت آنارشیستی خود، دارای خصلت کودتاگرانه نیز هست. این تاکتیک در واقع تا ظرفیتهای مشی ای است که میخواهد با "خلع ید" از "حزب" صاحب قدرت، اشغالگر از لیبرالها و دمکراتها را در چهارچوب یک جمهوری بورژوا- لیبرالی جایگزین سازد. و از همین رو پیش از آنکه متکی بر اراده توده های زحمتکش جامعه باشد، هر چند که می خواهد این توده ها را مورد ترحم قرار دهد و سازمان اجرائی خود بنماید، بر نیروی ارتش و فعل و انفعالات درونی آن، و معادلات سیاسی و دیپلماتیک در "بالا" و بر "نخبگان" ها و محافل دی نفوذ در سازمان تکیه دارد. و این نکته اساسی را در ارتباط مشی تاکتیکی مجاهدین و رابطه آن با مشی سیاسی و برنامه عملی آنها در فرصت دیگری مستقلا مورد برخورد قرار خواهیم داد.

و اما در مورد نتایج زیانبار این تاکتیک آنارشیستی:

اولین و پایه ای ترین ملاکی که هر سازمان سیاسی و انقلابی می بایست در ایجاد اشکال مبارزه خویش در نظر داشته باشد این است که آیا این تاکتیک با سطح و موقعیت جنبش تناسب دارد و آیا میتواند حملات برانگیزانده و سازماندهنده جنبش را داشته باشد و مبارزات توده ها را از آنچه که هست وسعت و عمق بیشتری ببخشد یا نه؟ عملیات مجاهدین و سایر نشانی از آن نشان داد که جنبش توده ها در مقطع فعلی پتانسیل و جهت و ظرفیت جذب و هضم تاکتیک های قهرآمیز را در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نداشته و ندارد. آنچه که در واقعیت جریان دارد این است که توده ها هم اکنون اشکال سازمانی ارتقاء مبارزه را بجهت مبارزه مناسب برای مبارزه در روند عمومی خویش در برابر شعرض مدام رژیم دارای خصلت دفاعی است. مشی نیرو و عملیات مسلحانه مجاهدین، بطور جدی این سیر تکامل طبیعی جنبش را کند و با حداقل در آن خلل جدی وارد آورده است. و جامعه سیاسی جامعه را از مبارزه میان توده های مردم- چه مبارزه ای که خود بخود جریان داشت و چه مبارزاتی که تحت رهبری نیروهای سیاسی مختلف صورت میگرفت- و ارتجاع حاکم، به صحنه مبارزه قهرآمیز و در روی رژیم و مجاهدین تبدیل نموده است. پس از انفجار مقر حزب توده ها که ظرفیت پذیرش و جذب این شکل از مبارزه را بهیچ روی بدست نیاورده بودند، در فضای تنگین تروریسم و سرکوبی که حاصل شعرض رژیم و پی آمد طبیعی شعارات قهرآمیز رژیم و مجاهدین بود، ناچار دست به عقب نشینی زدند و میهنپرستان دستخوش نوعی گیجی و آشفتگی سیاسی از تحولات جاری گشتند. آنها نیروی انقلابی خود را از دست نداده بودند، کینه و نفرتشان از میان نرفته بود بلکه تشدید یافته بود و محتوا و مقاومت را بطور کلی ترک نگفته بودند. لیکن بطور محسوسی با پدیده ای در جامعه روبرو شده بودند که قدرت تحلیل و هضم آنرا در شرایط مذکور نداشتند. آنها با خط مشی و حرکاتی مواجه بودند که احساس میکردند بطور ملموس فاصله آنها را از نیروهای انقلابی فروسی می بخشد و رابطه میان مبارزه این نیروها و مبارزه خودشان را قطع مینماید. بطور مثال همین انفجار حزب علیرغم نیرانگیختن شادی در میان توده وسیع ناراضی و کشنده نداء رژیم و حمایت معنوی از آن، احساس بیتفاوتی و هراس آنها را از سرنوشت مبارزه ای که آغاز شده است و خود در آن نقش و جایگاهی ندارند برانگیخت. سرکوب و فضای تروریستی ایجاد شده در جامعه موقتا آنها را به عقب نشینی وا داشت. مشی مبارزه توده ها، بطور روشن پس از حادثه ۷ تیر یعنی انفجار حزب، رو به نزول گذاشت و این خود مرفطر

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

[illegible] تئوری تحریف شانی از سرنگونی رژیم بطور [illegible] از مشروعیت سیاسی از این حرکت و تاکتیک استوار [illegible] میگرفت. اکنون در پی آمدن این حرکات و [illegible] آنها، مبارزه توده‌ها عملا تحت انتخاب "وسایل مشروع" مبارزه‌ای قرار گرفته است که مجاهدین میکوشند [illegible] آنها در تاکتیک خود دنبال میکنند مبارزه‌ای بر علیه سرنگونی رژیم، آغاز میکند. و این حرکت را بطور مودبانه انجام میدهند، و در حالیکه شیخ را بشدت مشروعیت میان اشکال مبارزه و مبارزه‌ای که مجاهدین در پیش گرفته است، احساس نمی‌کنند (جراسانی حمایت معنوی که از این مبارزه دارند) اشاره کرد این مبارزه و تراسطه [illegible] میرسوت گشاکشی هست که موزا در آن دی معنی میدهند.

تاکتیک مجاهدین هیچ تناسب و رابطه‌ای با سطح و کیفیت واقعی جنبش توده‌ای و اشکال عینی [illegible] و محتوی آن در شرایط حاضر ندارد. و از این رو به هیچ روی نمیتواند در خدمت رشد و گسترش مبارزه دموکراتیک تا امپریالیستی توده‌های بپردازد و از نظر اشکال عملا موجود آن به تراسب و مراحل بالاتر مبارزه فرا رگیرد. این شیوه مبارزه اولا به [illegible] توده‌ها در مبارزه طبقاتی و انقلابی اعتقادی ندارد و [illegible] تاکتیک بران آن [illegible] از جنبش روشنفکران را از صحنه مبارزه دور میکند و بدارندگی اندازه‌ای آنها را به پاسیفیسم میکشاند و نیروی زرف انقلابی نهفته در مبارزه آنها را، که [illegible] دگرگون کننده و ضمیت موجود و تحول انقلابی جامعه است، مستور میدارد و با لنگش موجب توده‌ها را از ویژگی و آگاهی بر این نیرو و استعداد [illegible] سرنگونی معطوف میگرداند، که در آن جا نیروی مرور و بحث، نیروی عملیات مسیر [illegible] مسئول [illegible] انقلابی، جایگزین نیروی شگرف و انقلابی توده‌ها میگردد. تاکتیک سرور مجاهدین (و [illegible] نیروهایی از جنبش کمونیستی منجمله سازمان ما) که تاکتیک شورو را در شرایط کنونی در پوشش "مبارزه بر علیه ماندهای سیاه شورو" قبول نموده و [illegible] میکند، اما در عمل چیزی جز همان حرکات آماتوریستی بمب اندازی و شورو علیه سرنگون رژیم و [illegible] تاکتیکی که مجاهدین در پیش گرفته است ارائه نمی‌دهد (وسایل معنوی مبارزه را جایگزین وسایل و اشکال طبیعی مبارزه توده‌ها که خارج از اراده و تمایل ما جریان دارد، قرار میدهد و منطق [illegible] و شورو را جایگزین منطق مبارزه طبقاتی و فاتوسمدی های طبیعی و عینی مبارزه طبقاتی نمیسازد).

در اینجا توجه به یک نکته اهمیت دارد. اگر وضعیت جامعه یکونه‌ای باشد که کشاکش انقلاب و ضد انقلاب [illegible] سطح حاکمیت بلامنازع ضد انقلاب خاتمه یافته باشد و حتی اساسا نوعی درجه ابتدا از نزدیک و [illegible] چندان طولانی مطرح باشد (دقیقا شرایطی چون وضعیت جامعه کنونی ما) و احتمال پیوند این حرکات در مقطع معینی از رشد مبارزه توده‌ها با آن، وجود داشته باشد [illegible] زمینه بهیچ وجه قانعیتی به این مشی داده نشده و این مشی حتی در چنین شرایطی زیانهای جدی خویش را بر روند مبارزه توده‌ها برجای خواهد گذاشت.

البته معتقدین باین تاکتیک خود را از شک و شا [illegible] نمی‌اندازند. آنها با هر رویک "شاهد" وانمود می‌کنند که این تاکتیک مورد "حمایت" توده‌ها است و اکنون "۸۰" از توده‌ها از رژیم خمینی متنفرند و "تبلیغات ما" بر علیه رژیم آنان را "برمیانگیزاند" و به "شورونوی" وا میدارد و در میان آنها قابلیت پذیرش دارد. آری سخن [illegible] (علیرغم اعتراف در سایه [illegible] موجود در شرایط حاضر، که این اعتراف کوبی از الزامات سیاسی خط مشی تاکتیکی شما است که در [illegible] است، اما اینجا یک مغلطه سوریک وجود دارد. توده‌ها در اکثریت نسبی از رژیم خمینی بریده‌اند و از کردار و اعمال آن کینه و نفرت شدیدی بدل دارند، عملیات مسلحانه بر علیه رژیم، کسب تحبیب‌ها و غنا بر مجموع و شعور و جنبش رژیم، در آنها شادی برمیانگیزاند و حتی موجب حمایت معنوی و بعضا مادی آنان فرا می‌گیرد... اما این واقعیت‌ها هیچ ربطی به موضوع اصلی ندارد! آنچه را که شما آگاهانه و یا ناآگاهانه پنهان میدارید اینست که عملیات مستقل توده‌ها اکنون هیچ وجه مدارجی نرسیده است که تاکتیک شورو بتواند حلقه بر انگیزاننده و بسیار دهنده جنبش توده‌ای را داشته باشد. (و تا زمانی آنچه بعنوان یک شکل فرعی مبارزه، و شکل اصلی آن که مورد نظر سازمان مجاهدین است.) مارکسیسم و اولا این عینی مبارزه طبقاتی برآنست که عنصر آگاه در پی برانگیختن تابعین در میان توده‌هاست و در پی آن نیست که پس از هر عملیات "تحسین برانگیزش" توده‌ها برانگیخته شده و برای برانگیختن به وسایل معنوی مبارزه مبارزی ندارد. آنچه یک سنی، توده‌ای و تاکتیک توده‌ای برآن متکی است نه برانگیختن جنبش

گزارشی از نخستین مراسم بزرگداشت شهیدان کمونیست

در "آرامگاه بلشویکها"

پدر یکی از رفقای شهید:
گریه نکنید! مردان بزرگی در اینجا خوابیده‌اند

روز سه‌شنبه ۸ مرداد به مناسبت چهلمین روز شهادت رفقا عباس فاضل، علیرضا رحمانی، قاسم گلشن و ... به مخلص و تنی چند از رفقای کومله در زمان رژیم به شهر آستارا مسافرت کردیم! واقع در ۱۲ کیلومتری شهر در خیابان منصور رژیم پهلوی، رفقا که از اعضای سازمان کمونیست منشعب از سازمان فدائی خلق و شورای محمد کیلانی، خاکم‌برگ رژیم جمهوری اسلامی، سازمان رفقا را از نهضت زحمتکشان مسلمان می‌دانند در اسلامی است با آنجا که ممکن است اجازه دهد بودن‌های زحمتکش ارجمان با عزیزشان آلوده نخواهد شد. چهلمین شب دست نخستین اعمال سخیف رژیم سازمان خانواده‌های عزاز رفقا را به سر بودن‌های حق قطع نمایند و دستی های خود را نوشته‌اند دارد. علاوه بر رفقایی که در تحرکات ۳۱ خرداد اعدام شدند یا بر رفقایی که در روزهای بعد سر به جوخه اعدام سپرده شدند نیز برخی از رفقا، بهنوش آذریان، سوخهرا وسی و ... سپرده به آنجا آورده شده‌اند. ۱۵ رفیقی که در سپیده‌دم ۳۱ تیر اعدام شدند همچنان با لباس و کفش بخاک سپرده شدند. قبرهای کنده شده آنجا سطحی است که شهروندی شخص از روی خاک به نام میرند. در جوی این بیابان که برای دفن کمونیستها استفاده میشود باغ کوچک عینی کاری قرار دارد که ۸ تن از رفقا را جسدشان را در آن در میان عینی کاری ها بخاک سپرده‌اند که مورد اعتراض شدید باغبان واقع شده است و آن تن نقشه اجساد را در همان بیابان بخاک سپرده‌اند کنار آن آنجا است به سطحی بودن قبرها و بوی تعفن نک بیت شکست بعد از آن مقداری آهک روی خاک‌ها میپاشند. کسانی که خودشان هدف رفقا روحیه یاد آنها بوده‌اند تعریف میکردند که موقعی که جسدها را آورده‌اند به کسی اجازه نداده‌اند که نزدیک بیایند. جسدها را با لگد می‌زدند و با توهین و دشنام درون گودالهای کنده شده می‌انداختند و سنگهای بزرگ سنگ را با ضرب هر چه تمامتر بر روی آنها پرتاب میکردند. اعمال رژیم بعد از آنکه مدتی این چنین کینه و وحشت خود را ابراز داشته آنجا را بزرگ میکنند کنار و زان که حتی تصور دیدن چنین صحنه‌هایی را نمی‌کردند به قبرها میروند و تا آنجا که از دستشان برمیآمده سنگ و خاکها را مرتب و جابجا میکنند رژیم با کینه طغیانی خود خواهانه‌اش علیه کمونیستها دست به چنین کارهایی میزند تا اخبار رفقا و مبارزات قهرمانانه این فرزندان دلیر زحمتکشان، بکشوری نرود ها برسد اما اولین کسانی که قدم به این جنایت نموده‌اند همان سدکورکنان بیهوده زهرا که به پاسداران اعتراض کرده و مورد ضرب و شتم آنها قرار گرفته‌اند و نیز کسانی در آن "آرامگاه بلشویکها" عمل

روز سه‌شنبه ۸ مرداد به مناسبت چهلمین روز شهادت رفقا عباس فاضل، علیرضا رحمانی، قاسم گلشن و ... به مخلص و تنی چند از رفقای کومله در زمان رژیم به شهر آستارا مسافرت کردیم! واقع در ۱۲ کیلومتری شهر در خیابان منصور رژیم پهلوی، رفقا که از اعضای سازمان کمونیست منشعب از سازمان فدائی خلق و شورای محمد کیلانی، خاکم‌برگ رژیم جمهوری اسلامی، سازمان رفقا را از نهضت زحمتکشان مسلمان می‌دانند در اسلامی است با آنجا که ممکن است اجازه دهد بودن‌های زحمتکش ارجمان با عزیزشان آلوده نخواهد شد. چهلمین شب دست نخستین اعمال سخیف رژیم سازمان خانواده‌های عزاز رفقا را به سر بودن‌های حق قطع نمایند و دستی های خود را نوشته‌اند دارد. علاوه بر رفقایی که در تحرکات ۳۱ خرداد اعدام شدند یا بر رفقایی که در روزهای بعد سر به جوخه اعدام سپرده شدند نیز برخی از رفقا، بهنوش آذریان، سوخهرا وسی و ... سپرده به آنجا آورده شده‌اند. ۱۵ رفیقی که در سپیده‌دم ۳۱ تیر اعدام شدند همچنان با لباس و کفش بخاک سپرده شدند. قبرهای کنده شده آنجا سطحی است که شهروندی شخص از روی خاک به نام میرند. در جوی این بیابان که برای دفن کمونیستها استفاده میشود باغ کوچک عینی کاری قرار دارد که ۸ تن از رفقا را جسدشان را در آن در میان عینی کاری ها بخاک سپرده‌اند که مورد اعتراض شدید باغبان واقع شده است و آن تن نقشه اجساد را در همان بیابان بخاک سپرده‌اند کنار آن آنجا است به سطحی بودن قبرها و بوی تعفن نک بیت شکست بعد از آن مقداری آهک روی خاک‌ها میپاشند. کسانی که خودشان هدف رفقا روحیه یاد آنها بوده‌اند تعریف میکردند که موقعی که جسدها را آورده‌اند به کسی اجازه نداده‌اند که نزدیک بیایند. جسدها را با لگد می‌زدند و با توهین و دشنام درون گودالهای کنده شده می‌انداختند و سنگهای بزرگ سنگ را با ضرب هر چه تمامتر بر روی آنها پرتاب میکردند. اعمال رژیم بعد از آنکه مدتی این چنین کینه و وحشت خود را ابراز داشته آنجا را بزرگ میکنند کنار و زان که حتی تصور دیدن چنین صحنه‌هایی را نمی‌کردند به قبرها میروند و تا آنجا که از دستشان برمیآمده سنگ و خاکها را مرتب و جابجا میکنند رژیم با کینه طغیانی خود خواهانه‌اش علیه کمونیستها دست به چنین کارهایی میزند تا اخبار رفقا و مبارزات قهرمانانه این فرزندان دلیر زحمتکشان، بکشوری نرود ها برسد اما اولین کسانی که قدم به این جنایت نموده‌اند همان سدکورکنان بیهوده زهرا که به پاسداران اعتراض کرده و مورد ضرب و شتم آنها قرار گرفته‌اند و نیز کسانی در آن "آرامگاه بلشویکها" عمل

خانواده‌ها مزار بلشویکها را غرق در گل‌های سرخ کردند

روی مزار قبر رفیق حداقل ۲۰ شاخه گل سرخ گذاشته شده بود و رفقا سرود شهیدان و بیکار کران را خواندند منظره با شکوهی بود رفقا با صدای بلند و محکم و با صمیمی مزار رحیم سرود خواندند. همسر یکی از رفقای شهید به من گفت: "بروید رفقا برای شما سرود بخوانم" سرود "سرود رفیق شهید که ۱۰ تا ۱۱ سال است سرود است ضمن دیدار با دیگر رفقا می خواند.

پدر یکی از رفقا به خانواده‌هایی که گریه میکردند روحیه میداد و دلداری میگفت: "گریه نکنید می دانید مردان بزرگی اینجا خوابیده‌اند یا خیر؟". "ما باید جای گریه کردن باید افتخار را ادا میدیم". همسر یکی از شهدا خطاب به او فریاد میکشید "خون بچه‌ات که اینچنین بردی، استاده مردی". "همگی شهید خانواده‌ها سرور بکنیم بود آنها یک خانواده بزرگ بودند. همه یک یک سیر هم می رفتند و یکدیگر دلداری میدادند و سیمان می بستند که راه قبر را ادا میدهند.

خانواده قبر محسن فاضل و علیرضا رحمانی است اما به برخی از خانواده‌های ۱۵ رفیق اعدام شده در ۳۱ تیر نظیر محمدی زرگری، محمد بکیداری، رضا حسن - علیخانی، عباس زمانی، قدرت الله حسن محسن، حم‌پور طهماسبی، احسانی، داریوش رضا زاده سرآسیا بودند. قدر مبارزین زرگری از رفقا دسته‌های گل را ادامه به داده روی خاک یک یک رفقا کاشته بود و گلهای سرخ اسوار که در باغ می خورد یکوه‌هایی به مزار رفقا می نشست یک دستهای کوچک بر سر هر یک از قبرها بود که سازه برخی بر آن نشسته بود و با گلبانگ کمونیست سنگ از کر ... ریخته شده بود. روی سنگی که بر مزار رفیق شهید حم‌پور طهماسبی بود این جملات دیده میشد:

"مرده‌ای تو؟ نه! نه!
زنده‌ای تا ابد
کی برادر تو را موش کند؟
تو چنین بیهوده‌کشدی تا مرگ
و تمام من تو
آس می پایان بود
بشویک و ارسا بدجنگ
جه کند با دل جون آس ما آس شیر"

خانواده مبارزین از رفقای شهید که با دسته بزرگ گل آنجا وارد شدند گلها را یک یک بر خاک یک - یک رفقا میبردند و در تمام مدت از رسای شهدا مراسم میگرفتند و هنگامی که به مزار رفیق شهرام اکبری از یکتال به کورستان جدید منتقل شده است رسیدند احترام خود را به رفیق شهید ما نشان عملاً نشان دادند و همانا ابراز داشتند و مثل فراوان سر خاک بر زمین ساختند. شاهی خانواده‌ها خرید - سی سبزک و خاطراتی مبارزه فرزندان انقلابیان داشتند. خاطره‌هایی از ایمان عادتا به آنها به انقلاب و زحمتکشان و اینکه حکومت همه خیر خود را در خدمت انقلاب و مبارزه گذارده بودند و حکومت از آنجا زندگی که راضی و آسایش فردی را بدون در نظر گرفتن محرومیت اکثریت جامعه مثال داشت کشیده بودند و حکومت ... آنچه را که نسبت می آوردند بدون آنکه در نظر بگیرند خیر برای خود همه برای کمک به مبارزات کارگر که حکومت و حکومت با عنوان فراوان از کارگران و زحمتکشان دفاع نمودند. خواهر یکی از رفقای شهید از زحمات و توضیحاتی که مادر شوهر در مدت زندان بودن علیرضا متحمل شده بود میکفت. و خانواده محسنی زرگری از دست نیز برخی از مبارزات دادگاه میکفت که حکومت محسن ضمن دفاع از آرمان واعدام حکومت ما هست ستم عدالتی و از کاستیهای سرکوبش را فاش ساخته است. او که شاهد بیعدالتی رفقا بود برای پاسداران خاطرنشان کرد که حکومت با ستم کشاهی که اطاعت از این ستم را تحمل میکنند با جاری کشتن راه سه کارگران و زحمتکشان و اسلامیون مبارز و این سخنان آخرین شاهدی داشت که پاسداری را میکرد می آورد. خواهر یکی از رفقای شهید میگفت خواهر ما با ذاتی که در زندان را آنجا آورده‌اند با راحت باشیم. این بزرگترین افتخار برای ما است اینها سام عمومشان برای کارگران و زحمتکشان مبارزه کرده‌اند و حالا میبرد که ... آنها به سه کوره‌ها اشاره میکنند اینجا که سپرده شده‌اند. تعزیتی که حین سپرده شدن در حد ... سنگ کارخانه ایران کنج نیز دارد و سرزمین اینجا و اینجا کوره‌های آجرپزی به سه‌تی جوزه رفقای شهیدمان سر از مرگ سر در خاک سپرده شده‌اند که در روز ما هدف علنی عنصر کارگران و زحمتکشان هستند. هر روز صبح که هزاران کارگر برای به دست آوردن نیمه‌ای نان و بیرکردن حق مرغابه‌دار آن سکارخانه سرازیر میشود و هر غروب که با دستهای خسته بمدار بیکر و زلالی و زخم اسماره خانه مار میکردند سلام و دادی با مرار رفقا همان خواهد داشت و با رهم همچنان رفت در کنار زندگی و رنج و مبارزه کارگران باقی خواهد ماند.

دوشنبه روزی که بر جرم سرخ سامی کارخانه‌ها و سامی کارگران و زحمتکشان را سیم سوخته‌ها و سل عظیم بوده‌های زحمتکش بیروز با برخیهای سرخ و دسته - های گل و سرودهای انقلابی با دریغای فرزندان را که در خاکهای کارگر خانه‌ها دفن شده ... ساده فرزندان شهید انقلابی خویش را رسانده‌اند

با آمدن آنروز و با درندگی و مبارزه ... شهید سرودهای "شهیدان"، "یاد یاران" و "ما سنگر کارگر" را اجرا نموده و محل را سرگرم کنند.

یاد رفقا شهدای انقلابمان شهید:
زنده باد انقلاب!
زنده باد سوسیالیسم!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان، در بزرگداشت خاطره این رفقای شهید و تحلیل از استواری خانواده‌های استوار و مبارز آنان، در آنروز پیامی فرستاده که در پایان آن خیمه

صفحه در صفحه ۱۰

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

خاطره کمونیست پیکارگر، رفیق شهید جمپور طهماسبی در قلب زحمتکشان شعله‌ور است

رژیم جمهوری اسلامی همچون هر رژیم سرمایه‌داری دیگر که به سرکوب طبقات تحت استثمار می‌پردازد، از همان روز بحث بیشترین کینه‌ها را علیه آن دسته سازمانهای انقلابی در قلب چرکین خویش انباشته بود که مبتدی شیردآشتی تا بدیر طبقاتی بوده‌اند. و لحظه‌ای از فکر نابودی سازمانهای کمونیستی و انقلابی غفلت نداشته و بیش از همه هوای سازمان کردن کمونیستهای پیکیر را در سر می‌پرورده است. و اگر چنانچه این مدت علیرغم سیاهکاه و پیکاه در یورش سپاهی اش وقفه افتاده، علت را در مجموع شرایطی که نتوانسته رژیم را در سرکوب شدید می‌نمود باید جست نه در هیچ عامل دیگر.

واکنون پس از یکسال و نیم کشتار، رژیم با خیال عبث خاموش کردن شعله‌های سوزان شیوه انقلابی خون آمیزتر از هر زمان به میدان آمد. و در جویبارهای خونی که براه انداخت و مبادله شدن انحرافات خود و عدم تجهیز خویش را در این مبارزه دیده انکار ریم چه بسیار ارواح خون رفقای سازمان ما که با آرمان سرخ و شیردآشتی تا بدیر خویش، کینه شناسی فراوانی را در دل رژیم برانگیخته بودند جاری شد.

یکی از این رفقا اینک در کورخانه رژیم حمله و شعله‌های آتشی تا بدیر تهرمانانه و وفاداری اش از انقلاب همچنان زبانه‌کش است. رفیق جمپور طهماسبی (عباس) است.

رفیق کمونیست پیکارگر، شهید "جمپور" که بدست عموسازمان ما بود که، در جریان سپاه جمهوری سازمان بدانسارت جلادان رژیم در آمد و پس از تحمل شکنجه‌های موحش و فرون وسطائی در زندان خمینی، وفاداری انقلاب و سرافرازی مقاومت دلیرانه‌اش که بی‌شک آتشی علیه پرولتاریا، عامل آن بود، به شهادت رسید زندگی و مرگ شیوه‌ای از زندگی و مرگ کمونیستها و کسانی است که رژیم جمهوری اسلامی بدانان کینه می‌ورزد. زندگی و مرگی که جز خروش رنجها و محرومیت‌های ستمکشان، جز سرکوبهای آرمان زحمتکشان، جز سلسله پیکارجانسازانه در راه برسرا عتقادات کمونیستی چیزی در آن راه نداشته و اینهمه است که دشمن کارگران و دهقانان و ستمدیدگان را به جنون میکشاند تا با حرص و ولع دندان در سینه‌شان فرو کند و خون سرخشان را که در آن توفان زندگی و تلاش کمونیستی و نیروی انقلاب می‌تواند سرکشد.

رفیق جمپور (عباس) در سال ۱۳۲۳ در روستای مالخیان از توابع سیاهکل متولد شد. خانواده او یک خانواده دهقانی زحمتکش بود که دیری جامه عمرشان صرف حیات ارباب شده و پس از آن هم روز به روز محروم‌تر گرسنه‌تر، زیرتر زبانه‌های سرمایه‌داری، برای به چنگ آوردن لقمه‌نانی تن به کار مشقت بار داده‌اند. کودکی او همچون فرزندان همه زحمتکشان ده با پرخنه و خواهر با گرسنگی گذشت. مادر زحمتکش او

از کار روزمره، کارکننده در "بیجار" که محل جولان زالوان است سرانجام بیماری در گذشت او در دوران دبستان پدر ما در بزرگش که در خانه مالک سابق کار میکرد به لاهیجان فرستاده شد. از همان دوران دبستان و سپاه دوران دبیرستان خوش و استعداد همراه او سرور پیدا کرد و در سپاه دوران تحصیل محصل ممتاز شریف شاگرد کلاس بود. پس از اخذ دیپلم، رفیق در همان شهر در مدرسه عالی مدیریت به تحصیل پرداخت. رفیق در این سالها علیرغم آنکه تحت تاثیر مشی چریکی قرار داشت لیکن شعور نابسامان آگاهی و هویت یک مرد انقلابی آگاه بود. اما اندک اندک و در محیط داشگاه علیرغم آنکه محیط فعالیت سیاسی و مدتها جوی شدید اختناق سیاسی داشت، در رفیق شعور انقلابی بوجود آمد. بالاخره او در راه مبارزه‌گام‌ها دوراه‌ها پایان دادن به آن همه ستم طبقاتی را که خویش با پوست و گوشت آنرا لمس می‌نمود، در انقلاب یافت. اگرچه هنوز ماجراجویی های انقلابی رایج در آن سالها در او نفوذ داشت. او در سال ۵۴ یکی از رهبران اعتصاب ۱۶ آذر مدرسه عالی مدیریت لاهیجان بود. این اعتصاب تاثیری فراوان در شهر داشت و ادامه گرفت. و پس از آن رفیق به عنوان یکی از افراد مورد سوء ظن دستگیر شد و رژیم او را به اجباری گمیل داشت. طی دو سال سربازی، سازمان رفیق بیشتر در راه انقلاب استحکام می‌گرفت. او در سال ۵۶ پس از پایان خدمت اجباری به ادامه تحصیل پرداخت اندک اندک سهم مبارزه جبر از روزش با دهای توفانی انقلاب میداد رفیق جمپور با همه وجود به انقلاب رومی آورد. در مظاهرات توده‌های سیاهاسنه شهر نقش فعال ایفا می‌نمود. و بیشتر بیش صف تظاهراتش را در راه هدایت هرچه آشتی تا بدیری مواج مبارزه پیکار میساخت. او همچنین در اعتصاب طویل المدت مدرسه عالی مدیریت در سال ۵۷ در موضع رهبری قرار داشت.

رفیق تحت تاثیر انقلاب از یکسو و برخوردهای منظم‌تر با رفقائی که مشی چریکی را رد کرده و از خط سیاسی - ایدئولوژیک بخش منشعب از س.م.خ.ا. پشتیبانی میکرد و بعدها سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را سنگر مبارزه خویش قرار دادند، و طی مبارزه ایدئولوژیک موفق به مرزبندی با مشی چریکی و رویزیونیسم و قبول تز سوسیال امپریالیسم شد. و در حرکت دانشجویان مبارز برای تبلیغ در کارخانه - هاقبل از قیام فعالانه شرکت میکرد. رفیق با دیگر رفقا به تکثیر و پخش هر اعلامیه‌ای که از سازمان بدستشان می‌رسید، می‌پرداخت و اگرچه هنوز رابطه تشکیلاتی منظم و مستقیمی با سازمان نداشت لیکن رهنمودهای آنرا بکار می‌بست و به تبلیغ مواضع سازمان میپرداخت.

رفیق جمپور در ۲۲ بهمن در تهران بسر میبرد و خود با عشق و شور زایدالوصف در حمله به پادگانها و مبادره سلاح شرکت داشت. پس از قیام مجدداً به لاهیجان برگشت و در برپا کردن شوراهای محلی که به کار تبلیغی می‌پرداخت فعالیت داشت، و ضمناً اعلامیه - ها و نشریات سازمان را که بدستشان میرسید پخش می‌نمود، رفیق خط زیبایی داشت و بسیاری از درشت - نویسی هائی که از مطالب منتشره بوسیله سازمان تهیه می‌شد به خط او بود.

پس از چندی با گسترش دامنه فعالیت سازمان، و با گرفتن حوزه گیلان، رابطه مستقیم رفیق با سازمان برقرار شد و از همان آغاز کار اولین چاپ سازمان در گیلان، در آنجا کار میکرد. رفیق در همان دوران نقش موثری در مبارزات دهقانی داشت و دهقانان رنجبری که در عمل او را شناخته بودند، مهرش را به دل میگرفتند پراتیک انقلابی، کار تشکیلاتی و زمینه طبقاتی رفیق، در هر گام، حمایل انقلابی اش را صیقل میداد، و بیش از پیش او را در زدودن زنگارهای کهن و شکوفائی جوانه‌های کمونیسم یاری می‌رساند. بدلیل لیاقت و شایستگی هایی که رفیق داشت، به درجه کاندید عضو سازمان ارتقاء یافت و برای ادامه فعالیت سازمانی به چاپ مرکزی اعزام شد. فعالیت رفیق در این دوران درخشان ترین دوران فعالیت او از نظر رشد سیاسی - ایدئولوژیک و کار تشکیلاتی بوده است. رفیق اکنون بخوبی به اهمیت نقش خویش به عنوان یک کمونیست و مسئولیت سنگینی که بر دوش او بود واقف بود. پیگیری و پشتکار در کار سازمانی که با همه وجود در راه پرثمر کردن فعالیت سازمانی اش بخرج میداد، و از حمایل رفیق بود با دچشمگیری گرفت. او در کار، جانبازانه میکوشید در کار می‌از راه پرفراز و نشیب و افتخارآمیز پیکار کمونیستی را در مسیر رهایی کارگران و رنجبران هموار نماید. او اکنون چهره درخشان یکی از هزاران کمونیستی را بخود گرفته بود که در تاریخ خونین جنبش کمونیستی جهانی پرولتاریا سرفراز نبرد کردند. او ذات و سرشت جدا یافته‌ای نداشت، یکی از میلیونها توده‌ای بود

بقیه در صفحه ۳

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بیاد کمونیست پیکارگر، رفیق شهید مجید نگهداری

مجید در حالیکه سراپای وجودش مملو از عشق رهائی زحمتکشان بود، همچون کمونیستی استوار و قهرمان در سالروز تولدش در ۲۴ سالگی بدست مستمندزادگان جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی شهید باران کردید.

یادش زنده و راه سرخش جاویدباد!

کمونیست پیکارگر رفیق مجید نگهداری همراه با ۱۲ رفیق همرزم خود روز سه‌شنبه ۱۴ انقلابی مجاهد در روز ۳۱ شهریور به دست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی شهید باران کردید.

رفیق مجید در ۳۱ شهریور ۳۷ در شهر از درخانواده ای زحمتکش بدنیا آمد. شرایط زندگی او را با دردها و رنجهای زندگی در جامعه طبقاتی آشنا کرد و رفیق آرام آرام به مبارزه سیاسی و انقلابی کشانیده شد. مجید در روزهای پرشکوه مبارزات توده‌ها در سالهای ۵۶ - ۵۷ با تلاشی جستجگی ناپذیر در راه رهائی توده‌ها از ستم سرمایه‌داری وابسته فعالیت میکرد و در جریان قیام با جانفشانی توانست مقادیری اسلحه بدست آورد که در اختیار انقلابیون گذاشت پس از قیام پرشکوه بهمن ماه، رفیق مجید در مبارزات کارگران بیکار شرکت کرد و با اعتقاد به آرمان سرخ طبقه کارگر تمام هم و توان خود را در خدمت رهایی زحمتکشان قرار داد. او در جریان شرکت در مبارزات کارگران بیکار در تهران و قزوین با گروه "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" ارتباط پیدا کرد و به فعالیت انقلابی و کمونیستی این دو بین طبقه کارگر افزود و برای کار آگاهگرانه در میان کارگران قهرمان در کارخانه نیمه‌ساری مشغول کار شد. ما به خاطر محبوبیتی که در اثر پرکاری و تلاشهای فداکارانه و انقلابی در بین کارگران پیدا کرده بود و سپس بدلیل فعالیت هایش از کارخانه اخراج کردید. پس از وحدت گروه مزبور با سازمان ما، در صفوف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مبارزات جستجگی ناپذیرش ادامه داد در حالیکه در کنار رفیق

در کوره‌های آدم سوزی رژیم خمینی:

کفته میشود که در اعدام و حشیانه ۱۵ رفیق کمونیست و دلیر ما (رفقا داودی، احسانی، حسنعلی خانی، زرگری و ...) در تاریخ ۳۱ شهریور ۶۰، در زندان اوین، فقط یک پاسدار شریر اندازه وجود داشته است. حتی رسم جلادان رژیمهای مدخلقی این است که برای هر فرد اعدامی دو سه پاسدار وجود داشته باشد تا محکوم سربمتر از رنج خلاص شود.

اما متاسفانه دارد شناخت هم در این مورد از بین رفته است.

حتا زه یک انقلابی مجاهد را به خانواده اش تحویل میدهند. آنها جنازه فرزند را به روستای خودشان (در شمال) میبرند. مردم را واستقبال و بزرگداشت قابل توجهی بعمل میآورند. اما مجاهدت ده از این امر ناراحت میشود و روستائیان را شبانه در مسجد جمع میکند و براساس فریبکاریها و شایعه‌های خود به روستائیان میگوید که: "چند این فرد خاک میشود، از خاک علف میروید و گوسفندان شما از آن علف‌ها می‌خورند، شیر گوسفندان را بچه‌هایتان خواهد خورد و همه منافق میشوند!"

روستائیان تا آگاه که تحریک شده بودند به مزار آن انقلابی هجوم برده، جسد را بیرون می کشند و آنرا بدستور آخوند ده تکه تکه کرده در یک گونی میریزند و شبانه جلوی درب خانه پدرش میگذارند. صبح بدر با چنین مساله وحشیانه‌ای روبرو میشود و چون جائی برای دفن فرزند شهید خود نداشته آنرا در منزل خود دفن می نماید!

رژیم برای بدنام کردن انقلابیون و تورانشدن افراد ناآگاه علیه آنان، با تمام قوای ارتجاعی و جهنمی خود میکوشد اقدامات وحشیانه‌ای را به آنان نسبت دهد. رژیم، حتی موفق است به جنایاتی علیه افراد عادی کوچه و بازار می زند و ادعا میکند که این، کار انقلابیون مخالف رژیم است. انفجار بمب در خیابان پاستور که منجر به کشته شدن چند نفر گردید از این نمونه است. طبق اخباری که بدست ما رسیده دو ساعت قبل از وقوع انفجار در خیابان پاستور، پاسداران منطقه را کنترل میکرده اند و اجازه نمی‌دادند که اتومبیلها تا انتهای خیابان بروند. رژیم خود، زمینه را برای انجام آن جنایت فراهم میکرده است. این بار دم خروس نه فقط از زیر عبا بلکه از بمبی که در درون یک اتومبیل واقع در خیابان کنترل شده پاسداران بیرون زده است. شگردهای رژیم تازیانه و دار یکی و دو تا نیست ولی رسوائی هر کدام از آنها مشرک رژیم را نزدیکتر می سازد.

بقیه از صفحه ۱۱ قیام...

دوران موقعیت انقلابی بطور عمده جنگ مسلحانه توده‌ای را مورد توجه قرار داده توده‌ها را به این منظور متشکل و بسیج کرده، برای پیکار قطعی در لحظه مناسب به نبرد مسلحانه برانگیخت. کمونیستها همواره این دوره‌ها را بهترین دوراتهای تاریخ هر جامعه میدانند. مارکسیست لنینیستها در مقطع موقعیت انقلابی و لحظه قیام است که قیام یا جنگ مسلحانه توده‌ای را اساسی ترین شکل مبارزه توده‌ها میشناسند و در صورت لزوم حتی پیش از آغاز لحظه قیام، از انجام ترورهای سرخ نیز آبا نخواهند کرد. لنین انجام مبارزه مسلحانه را پیش از موقع برای امر انقلاب بسیار خطرناک می داند. لنین در بیماری چپ روی قاطعانه میکوبد و سال پیشاهنگ توده‌ها تنها به پیکار قطعی جنگ مسلحانه مربوط است مهلک برای امر انقلاب. چرا که بورژوازی میتواند پیش از برآمد کامل جنبش توده‌ها را از پیشاهنگان انقلابیش محروم سازد. پیش از فرا رسیدن موقعیت انقلابی، بایستی کارگران و سایر توده‌ها را هر چه بیشتر به مبارزات اقتصادی و سیاسی، اعتصابات، تظاهرات و... برانگیخت طبقه و توده‌ها را آگاه کرد و متشکل نمود. طبیعی است آنگاه که طوفان فرا رسد، دو تا دو طبقه و توده‌ها و پیشاهنگ و رهبر آنها با تدبیر پیش تاخت و ماشین دولتی بورژوازی با نیروی جوشان قهر انقلابی توده‌ها در هم کوفته اما نه پیش از این زمان.

بدین ترتیب اگر انقلابیگری خرده بورژوائی نبردن به تن خود را با دشمن جنگ مسلحانه می داند در نتیجه بجای عمل کردن توده‌ها، آنها را بطرکسر زور آزمائیهای خود با دشمن میکشد و بجای آموختن مبارزه به توده‌ها و آگاه کردن آنها در کوران مبارزه طبقاتی، خود بجای آنها میجنگد. کمونیستها جنگ مسلحانه را نیز مانند همه ابزار دیگر مبارزه بصورت توده‌ای میخواهند چرا که در غیر اینصورت عمل جدا از توده، انقلاب نکوهیده توده‌ها را در بر نخواهد داشت و می دانیم عمل توده‌ای همانطور که لنین در سخنرانی خود در کنگره دوم کمینترن از آن سخن میگوید حرکتی است که هزاران هزار کارگر و زحمتکش غیرحزبی خواه تحت نفوذ فرامین و یا بطور خودجوشی به آن دست بزنند.

با چنین تحلیلی است که بلشویکها رهبری قیام مسکو در ۱۹۰۵ و قیام توده‌ها را در فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ به عهده میگیرند و لنین قاطعانه با سوسیال رولوسیونرهای خرده بورژوا که به انقلاب روسیه فریب میزند مبارزه میکند و آنها را نماینده دهقانان و خرده - بورژواهائی می شناسد که تنها توانائیات طبقاتی - شان را نمایندگی میکنند و با چنین تئوری علمی است که کمونیستها در چین و ویتنام و آلبانی و... توانستند ماشین دولتی بورژوازی را خرد کنند.

■ ■ ■

ما درباره ترور و تاکتیکها و اشکال مبارزه باز هم سخن خواهیم گفت چرا که انقلاب، عظیم‌ترین مسئولیت تر از آن است که ما تابع آن نیروهائی شویم که کاه بدسال توازنهای بورژوازی، رام و مطیع بدنبالشان روان میشوند و کاه عصبانی و خشمگین بی‌توجه به توده‌ها و سطح جنبش توده‌ای و آینده انقلاب با آن درگیر میشوند. چرا که اگر پیروزی جنگ مسلحانه توده‌ها را بر علیه رژیم ارتجاعی کنونی میخواهیم، میبایستی تا درستی ترور را در شرایط کنونی دریافته به بسیج سیاسی توده‌ها، تدارک اعتصابات و تظاهرات و بسیج سیاسی بر علیه رژیم مدخلقی کنونی بپاخیزیم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

"حزب توده" و "فدائیان اکثریت": نوکران و جاسوسان رژیم جلاد جمهوری اسلامی

سرمایه‌داران برای آنکه منافع روحیه اول خود را ادامه دهند، باید کارگران و زحمتکشان را بفریبند و برای آنکه بهتر بتوانند به این هدف ارتجاعی خود برسند به نوکرانی احتیاج دارند. این نوکران پست وظیفه دارند تا کارگران و زحمتکشان را با سرمایه‌داران خونخوار آشتی دهند و از انقلاب جلوگیری نمایند. این نوکران که نگاه نگهبان مورزواری میباشند، همان رویزیونیستهای خیانتکارند. لنین، رهبر کارگران جهان در مورد رویزیونیستها می گوید: "این افراد دشمنان طبقاتی ما هستند و به بورژوازی گرویده‌اند" (وظایف پرولتاریا در انقلاب ما)

آری، لنین در مورد مارکسیستهای دروغین یعنی رویزیونیستهای خیانتکار میگوید آنان دشمنان طبقاتی پرولتاریا میباشند. آنان عمل پست فطرت سرمایه‌داران و رژیم سرمایه‌داری اند که وظیفه دارند کارگران و زحمتکشان را در برابر کی سرمایه‌گذاری رویزیونیستها اگر چه در حرف صحبت از منافع کارگران میکنند ولی آنان فقط و فقط عوامفریبی میکنند. آنان در متن سیاسی ایدئولوژیک و کردار خود بطور کامل نسبت به مارکسیسم لنینیسم و آرمان پرولتاریا خیانت کرده‌اند. بدینمعنی که رویزیونیستها نه تنها نسبت به سوسیالیسم علمی خیانت کرده و احکام اساسی آنرا مورد انکار داده‌اند، بلکه علاوه در عمل خود در تمام خیانات مورزواری علیه پرولتاریا سهیم میباشند. همه رویزیونیستها دستیاران نیکی رجلادان طبقه کارگر میباشند.

همانطور که مدتهاست رژیم جمهوری اسلامی در طول دو سال حاکمیت ننگین خود بخصوص در ماههای اخیر کارگران مبارز، کمونیستها و انقلابیون بیشماری را به زندان انداخته، بطور وحشیانه‌ای شکنجه کرده و تیرباران نموده است. اما در تمام این مدت رویزیونیستهای مزدور حزب توده و فدائیان اکثریت از هر گونه همکاری در امان بوده‌اند. و اینها چرا رویزیونیستها تیرباران نمیشوند؟ چرا رویزیونیستها تحت تعقیب قرار نمی گیرند و به زندان افکنده نمیشوند؟ چرا رویزیونیستها کماکان اجازه انتشار مطبوعات خود را دارند؟ چرا رویزیونیستها مجاز هستند تا به تبلیغات علمی بپردازند؟ چرا سکتاریسم ارتجاعی مانند "سازمان فدائیان اکثریت"، "حزب توده" و سازمانهای وابسته به آن مانند "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و .... نابود نمی میباشد؟ پاسخ این سوالات روشن است. زیرا رویزیونیستها دشمن زحمتکشان و نوکران رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی میباشند. امروز تمام توده‌های آگاه نه تنها نسبت به رژیم منفور حاکم، بلکه علاوه نسبت به رویزیونیستهای توده‌ای و اکثریتی نفرت عمیق دارند. زیرا آنان در تجربه خود درک کرده‌اند که آنان نه مدافع زحمتکشان بلکه مدافع سرمایه‌داران و جلادان خلق ما هستند. آنان دریافته‌اند که آنان پشتیبان رژیم در قتل عام کمونیستها و انقلابیون و سرکوب انقلاب میباشند. در دوماهه اخیر ۲۰۰ کمونیست و آزادیخواه را سینه توسط رژیم حاکم اعدام نموده‌اند. آیا این امر خیانتکارانه مورد اعتراض رویزیونیستها واقع شد؟ نه هرگز! آنان خود منشوی خیانتکاران حاکم در قتل عام انقلابیون میباشند. حزب خائن توده و کیانوری مزدور از رژیم خواسته‌اند تا کمونیستها و انقلابیون را "بطور قاطع سرکوب و اعلامی" نمایند (پرسش و پاسخ شماره ۶۰). آنها در "پرسش و پاسخ ۳ مرداد ۶۰" در باره اعدام‌های انقلابیون میگویند: "در این جا وجوب نظر ما اینست که باید نسبت به افرادی که در این رابطه بازداشت میشوند سیاست دقیق و ظریف تفکیک مسئولیت و تفکیک جرم و انتخاب شیوه‌های گوناگون بکار گرفته شود تا از اثرات سم مهلکی که بصورت تبلیغات کروهکهای مختلف ذهن این جوانهای وفاداری تجربه را مسموم کرده است، حتی شود. باید به شیوه‌های سرسپردگی و امکانات بزرگ و اثربخش آن توجه داشت. البته در مورد افراد مسئولی که آگاهانه و با شناخت دقیق به مقصد سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی ایران عمل میکنند با افراد را تحریک میکنند طبعا باید خیلی جدی رویرو شد و در این مورد ما هیچگونه تردیدی نداریم ولی در مورد افراد ساده این گروهها به نظر ما باید به شیوه تربیتی و اشکالی عمل شود".

به بیان دیگر حزب توده مخالف اعدامهای خیانتکارانه نیست. حزب توده، رژیم حاکم را محکوم نمیکند. حزب توده با اصل سرکوب و کشتار کمونیستها و انقلابیون موافق است. لیکن نگران از "زیاده روی‌ها" است که منجر به تضعیف رژیم جلاد خمینی گردد. حزب توده میگوید کمونیستها و انقلابیون را تیرباران کنید اما باید "تفکیک مسئولیت و تفکیک جرم" را در نظر توجیه نمود و با بدست تیرباران مبارز "بهانه" داده نشود زیرا آنها با تبلیغات خود مدعا انقلاب حاکم را تضعیف خواهند نمود. حزب توده هیچ تردیدی در قتل عام آزادیخواهان واقعی ندارد و میگوید در مورد افراد کمونیست و انقلابی که بطرز انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند "باید خیلی جدی رویرو شد و در این مورد ما هیچگونه تردیدی نداریم".

برای اعدام "جدی" جنایتکاران حاکم جز شرور و تیرباران فرزندان زحمتکشان چیست؟ آری رویزیونیستهای "توده‌ای" موافق جدی تیرباران فرزندان خلق توسط ارتجاع حاکم میباشند. برای کیست که ندانند امروز حزب توده یک شبکه جاسوسی است که از یکطرف در خدمت سوسیال امپریالیسم عمل کرده و از طرف دیگر به مثابه سازمان اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. کیست که ندانند امروز سرمایه‌داران رژیم حاکم در یک سری امور از جمله سرکوب انقلاب با رهبران مزدور حزب توده مشورت میکنند و کیست که ندانند امروز عوامل حزب توده در کارخانه‌ها، ادارات و محلات، کارگران انقلابی و افراد آزادیخواه را لو میدهند.

فدائیان اکثریت تیرباران شدند و بطور غیر علنی به اعمال و هواداران خود دستور داده‌اند تا کمونیستها و انقلابیون را شناسائی کرده و آنها را به رژیم لو دهند. فدائیان اکثریت در کنار سایر رویزیونیستهای خروشچفی بارها متحصنات مبارزین را در آزادی و استقلال و سوسیالیسم را به سایر داران سرمایه اطلاع داده و محل سکونت و فعالیت آنان را به رژیم گزارش داده‌اند. آری رویزیونیستها گستاخیوسان جلادان، و جاسوسان شبکه رویزیونیستی اند. آری رویزیونیستهای مرتدی که رژیم متجاوز امپریالیسم را "فدا امپریالیسم" قلمداد میکنند و توده‌ها را به حمایت از رژیم سرمایه‌داران فرا میخوانند. کسانی که در جنگ ارتجاعی ایران و عراق همانند همه سوسیال شونیستهای وقیح از بورژوازی خودی دفاع مینمایند کسانیکه بدگاه‌های مرتجعین همچون رجائی را موافق میدهند، کسانیکه با سداران خیانتکار و دادگاههای فاشیستی رژیم را تائید میکنند (همانجا) کسانیکه جاسوسی کمونیستها و انقلابیون را کرده و آنان را به جلادان حکومتی لو میدهند. آری چنین کسانی چرا از حمایت رژیم سرمایه‌داران برخوردار نباشند. رویزیونیستها نوکران سرمایه‌داران و همدستان حکومت جلادها حاکم میباشند و بدینچنین خاطر آنها موظف رژیم اعدام میکردند و به زندان انداخته نمیشوند و برعکس آنان میتوانند علامه‌های خود را آزادانه پخش کنند و تا بدرورزی پاره "مردم" و امروز شرباب فدا انقلابی خود مانند "اتحاد مردم" و "اتحاد"، "جهان زنان" "پرسش و پاسخ" و غیره را با اجازه دادستانی رژیم جلاد خمینی منتشر سازند. آنان می‌توانند به تلویزیون بیایند و مصاحبه کنند و علیه مارکسیسم لنینیسم بورژوازی و سلیح سوسیال امپریالیسم بورژوازی را بکنند. آنان میتوانند اوراق و اقسام کتب ضد انقلابی و رویزیونیستی از ایدئولوژی‌های سوسیال امپریالیسم مانند "سوسنگ"، "اولیانوفسکی" و "پونوماریف" و ... چاپ کرده و در کتابفروشی‌ها و دکه‌های شهر به فروش برسانند و امپریالیستهای روسی میتوانند فیلمهای امپریالیستی و منحطی مانند "ماجراهای اداره" را به رژیم سرمایه‌داری مکمل حاکم فروخته و رویزیونیستهای خروشچفی وطنی میتوانند راجع به این فرآورده‌های ضد انقلابی و برای فریب مردم آزاد به تبلیغ کنند. بله، در همین زمان که بجرم پخش یک اعلامیه کمونیستی یک رفیق کمونیست تیرباران میشود، رویزیونیستهای مزدور توده‌ای و اکثریتی خروارها نشریات حاوی جزئیات رویزیونیستی را آزادانه و تحت سایه حکومت اسلامی چاپ کرده و پخش میکنند. رویزیونیستها پاداش خیانت خود را از رژیم میگیرند. آنان برای قتل عام کمونیستها هورا میکشند و رژیم جلاد به آنان اجازه میدهد تا با نوشته‌ها و سخنان ضد انقلابی خود مردم را بفریبند. لنین می گوید: "سوسیال شوینیسم، اپورتونیسم تکمیل شده است. این جریان برای اتحاد علنی و اکثرا میتذل با بورژوازی و ستادهای ارتش به نضج خود رسیده است و همین اتحاد است که به این جریان نیروی بزرگ و انحصار آزادی بیان و فریب توده‌ها را میدهد....

نمایندگان عامل بورژوازی این موضوع را به خوبی فهمیده‌اند. به این جهت است که آنها اکنون از احزاب فعلی سوسیالیست که "مدافعین میهن" یعنی مدافعین غارتگری امپریالیستی در برابر آنها قرار دارند،

←

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ایستاور تعریف وتمجید میکنند .به این جهت است که دولتها گاه با واگذاری پستها وزارت (...) به پیتوایان سوسیال شوینیست وگاه با دادن انحصار فعالیت علنی وبلا مانع به آنان (...) آنها را مورد پاداش قرار میدهند" . (اپورتونیسم وورشکستگی انترناسیونال دوم)

امروز زمینی که کارگران مبارز وکمونیستها و انقلابیون را بیرحمانه کشتار میکند ،در برابر خیانت رویزیونیستها نسبت به طبقه کارگر به آنها پاداش میدهد .بنابراین اگر حزب توده واکثریتی ها ودیگر عمال بورژوازی توسط رژیم برسمیت شناخته شده و دارای فعالیت قانونی میباشند ،امری اتفاقی نیست .این امر حاکی از آنست که آنچه رویزیونیستها انجام میدهند در انطباق کامل با منافع بورژوازی قرار دارد .بورژوازی لقمه ای در برابر سگان خود می اندازد تا آنها بهتر علیه انقلاب پارس کنند .

امروز کارگران وزحمتکشان میهن ما در تجربه خود یکبار دیگر درک میکنند که رویزیونیستها دشمنان طبقاتی آنان بوده وافرادرذلی هستند که بر دشمنان خون آلود جلادان وحشتکشان بوسه میزنند .کارگران و زحمتکشان کشور ما یکبار دیگر به محک قضاوت لنین درباره رویزیونیستهای خائن آلمان پی میبرند لنین گفته بود : "...مقارن با دهه دوم قرن بیستم ، در راس حزب کارگری مارکسیستی آلمان که در مقیاس جهانی حزب نمونه است ،بیشتر از یکچارک برین ارارل ولیدترین دون فطرتان که خود را به سرمایه داران فروخته اند ،از شاید مان وشکم گرفته تا داوید ولژین ،این منفورترین جلادانی که از بین کارگران برخاسته وبه حدیث سلطنت وسورژوازی مدا نقلابی کمر بسته اند فرار گرفتند." (انترناسیونال سوم و مقام آن در تاریخ ،تاکیدات از ماست) .آری ،امروز نیز در حزب توده وسازمان فدائیان اکثریت افراد با یکارومنفوری جای دارند که خود را به سرمایه داران فروخته اند وبرای کشتار کمونیستهای واقعی وسایر آزادیخواهان توسط رژیم کف میزنند وهورا میکشند .

سیاست طبقه کارگر نسبت به این خائنین به سوسیالیسم چیست ؟ امروز طبقه کارگر هرگز نمیتواند حتی یک لحظه در افشای بیرحمانه رویزیونیستها (چه جروتجفی وچه به جهانی) به میثاق سوگران بورژوازی کوتاهی کند .طبقه کارگر میداند که ایشان جزاردوگاه سرمایه بوده وعلیرغم تمام رنگ ولعاب های "مارکسیستی" خود امر ا دمنفوری هستند که به مارکسیسم لنینیسم خیانت نموده اند .طبقه کارگر میداند که اگر چنانچه همین خائنین ،پس فردا بقدرت برسند هیچ دست کمی از هیتلر ،شاه خائن وخمینی جلاد نخواهند داشت .رویزیونیستها نیز همچون همه شبیهکاران تاریخ به جلادی طبقه کارگر وکمونیستها خواهند پرداخت .همانگونه که انترناسیونالیستهای قهرمانی چون لیبکنخت ولوگزامبورگ توسط رویزیونیستهای رذل آلمان به گلوله بسته شدند ،همانگونه که امروز همه رویزیونیستهایی که در قدرت هستند به سرکوب وحشیانه طبقه کارگر پرداخته وکمونیستها را به زندان انداخته ویا قتل عام میکنند .پس فردا رویزیونیستهای وطنی وازجمله حزب توده وفدائیان اکثریت چنانچه بقدرت برسند به قتل عام کمونیستهای راستین اقدام خواهند نمود .

اما طبقه کارگر اجازه نخواهد داد تا رویزیونیست ها بقدرت برسند .طبقه کارگر در انقلابی که در پیش است رویزیونیستها را در دادگاه انقلابی خود به محاکمه کشیده وسزای خیانتهایشان را خواهند داد .طبقه کارگر در انقلابی که در پیش است رژیم منفور حاکم ، بورژوازی وتوکران رویزیونیستش را نابود خواهد کرد .جمهوری دمکراتیک را برپا خواهد نمود وپیروز مندانه بسوی سوسیالیسم پیش خواهد رفت .

یورش کینه توزانه رژیم به کارگران مبارز بندر عباس

(انحلال شورای تخلیه وبارگیری کارگران اسکله بندرعباس ودستگیری اعضای شورا واخراج کارگران)

در تاریخ ۶۰/۴/۱۰ پاسداران چهار عضو شورای تخلیه وبارگیری اسکله بندرعباس ویکنفر دهقان دار و احتمالا یک پادوش از کارگران را دستگیر وزندانی نمودند وکلیه مدارک ووسایل شورا را همراه با اتاقک سیار شورا ـ دفتر ومحل شورا ـ را که در اسکله مستقر بود شناسائی نموده ،خود بردند .وپس از انحلال شورا ۳۰ نفر از کارگران را اخراج کردند .کارگران پس از اطلاع از جریان فوق روز شنبه ۶۰/۴/۱۱ (عده ای از آنان)بطرف استانداری راه پیمائی میکنند وآزادی اعضای شورا وتشکیل شورا را خواستار میشوند که نتیجه ـ ای نمی گیرند .کارگران برای آزادی اعضای شورا چندین بار به دادگاه "انقلاب" وسپاه نیز مراجعه میکنند .اما مسئولین رژیم جواب درستی به آنها نمی دهند وآخرین حرفی که استاندار به آنها می زند این است که "شورا ول !" ـ شورایی شورا ـ اگر می خواهید میتوانید در شرکتهای تعاونی بصورت پیمانی کار کنید .تاکنون هیچیک از کارگران قبول نکرده اند که در شرکتهای تعاونی کار کنند در این رابطه کارگران برای پیگیری کارشان واینکه به چه دلیل شورا منحل واعضای آنرا دستگیر کرده اند ،یک هیئت ده نفری از کارگران را انتخاب وبه تهران فرستاده اند تا امروز (۶۰/۴/۱۹) از نتیجه کار این هیئت خبری به کارگران نرسیده است .کارگران ضمن پیگیری جریان از طریق مراجعه به استانداری و"دادگاه انقلاب" و... منتظر نتیجه کار این هیئت هستند تا تکلیف خود را روشن کنند .فعلا عده ای از کارگران اخراجی برای گذران زندگی دستفروشی میکنند

در حاشیه این خبر توضیح زیر را مفید میدانیم :

چگونگی بوجود آمدن شورا

آن عده از کارگران اسکله که بصورت پیمانی واز طریق پیمانکاران در اسکله کار میکردند وتنها حقوق روزمزد با بابت روزهائیکه بار تخلیه میبودند دریافت می داشتند در روزهائیکه کالا برای تخلیه نبود حقوقی دریافت نمی کردند واز کلیه مزایا وامکانات نیز محروم بودند .این امر تا مدتی پس از قیام نیز وجود داشت .پس از قیام بعلت کارآگاهانه کارگران مبارز ونیروهای انقلابی کارگران در صدد ایجاد شورا برمی آیند تا بتوانند به خواستهای خود برسند .عمده مبارزاتی که کارگران داشتند وتکاپنهائی که برعلیه کارفرمایان نمودند ،عده ای از کارگران کمونیست و انقلابی دستگیر وزندانی واخراج شدند .سال ۵۸ ـ سرانجام کارگران موفق شدند شورا را تشکیل داده و نمایندگانی که از منافع آنان دفاع نمایند انتخاب کنند .شورا توانست از طریق کمکهای کارگران (بعضی حق عضویت) ،خود را از اداره نمایندوا زخواستهای کارگران دفاع کند ـ منجمله پرداخت حقوق ثابت برای تمام روزهای ماه ،حق اولاد ،حق مسکن وسایر مزایا حتی در مواقعیکه تخلیه کالا وجود نداشت .

رژیم پس از انحلال شورا ۶۰/۴/۱۱ به کارگران پیشنهاد کرده است تا در شرکتهای تعاونی (مجموعا ۹ شرکت تعاونی در اسکله بوسیله رژیم کار میکنند) به صورت پیمانی کار کنند .تا اولا قدرت واتحاد آنانرا در تشکیل شورا از بین ببرد شانیا بسیاری از مزایا و حقوق آنان را قطع نماید .ومهمتر از همه دستمزد روزها ی پشکارانی کنند قطع شود .از آن گذشته بتوانند بدون شورا واقعی در هر زمان که خواست کارگران را اخراج نماید .

در حال حاضر بجای کارگران اخراجی از کارگران ساده فنانی وپاکستانی استفاده میشود .بنظر ما چون کارگران از سطح آگاهی بالایی برخوردار نیستند ، امید وارند که رژیم به آنان کمک کند وکارگران ـ اعضا شورا ـ را که از منافع آنان حمایت میکنند آزاد نماید احتمال پراکندگی وتاپیگیری کارگران زیاد می باشد .وبدون داشتن شورا نه تنها نمی توانند به سر کار برگردند بلکه قادر نخواهند بود برای آزادی نمایندگانشان نیز فعالیت کنند .

سپاه تجمع کارگران را که ناراضی هستند از دور زیر نظر دارد وسعی میکند آنانرا "دست بسر" نماید ، چون بیشتر اعضای شورا از پیگیری قاطعی برخوردار نبودند ـ احتمال از هم پاشیدگی اتحاد کارگران زیاد می باشد ولی در مجموع کارگران به اعضاء شورا اعتماد دارند وهر کدام آرزو میکنند که آنان آزاد شوند .ولی واقعیت امر و ماهیت ارتجاع حاکم به آنان خواهد فهماند که بدون تشکل ومبارزه به خواستها یشان نخواهند رسید .

(خبر وتوضیح فوق از طرف رفقای هیئت تحریریه پیکار خلیج ،برای ما ارسال شده است .)

بقیه از صفحه ۹ خطاب به ...

صفوف خود را متمرکز کنید تا بخیال خود سقوط ناگزیر خویش را مدتی دیگر به تاخیر اندازد .

همرزمان ! توده های بپا خاسته ایران به انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی خود استوار ادامه میدهند ودر این راه یاری کارگران وزحمتکشان و نیروهای کمونیستی وانقلابی ومترقی وجنبش های رهائی بخش ملی در پا رچوب یک همبستگی انترناسیونالیستی ،برای آنان بسیار ضروری است .

به یاری انقلابی ایران بشتابید ودست حلقه های ایران را در واژگونی رژیم آدمکش جمهوری اسلامی خمینی بفشارید .

سرنگ باد امپریالیسم وارتجاع !

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران !

برقرار باد همبستگی بین المللی کارگران وزحمتکشان جهان !

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق در ایران !

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۵/۳۱

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

خطاب به:

کارگران و زحمتکشان سراسر جهان
نیروهای کمونیست و انقلابی و مترقی سراسر جهان
خلقهای تحت ستم و جنبش های رهایی بخش سراسر جهان

همرزمان!

این نامه سرگشاده، سرشار از کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست ایران است. فریادی که از حلقوم خون گرفته شهیدان بی شمار مردم ما برمیخیزد. فریادی که از رسانه های درون و بیرون میدانهای نبرد کارگر رژیم خمینی در سراسر میهن ما و در هر گوشه و کنار این کشور برپا کرده است همچون نغمه ای سرخ زبانه میکشد.

همانطور که مدتها است توده های زحمتکش میهن ما پس از سالیان دراز تحمل انواع ستمهای طبقاتی و ملی و پس از بیهودن راههای گوناگون مبارزات انقلابی سرانجام رژیم وابسته به امپریالیست دخالتش را در بهمن ۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) سرنگون کردند.

انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی توده های زحمتکش ما در بهمن ماه سرنگونی شاه را سرنگون کرد. لیبرالها و نمایندگان خرده بورژوازی مرعوب شده از یکطرف و امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی از طرف دیگر بورژوازی کوشیدند سیاست رژیم جمهوری اسلامی افتاد. خمینی که با سرنگونی رژیم پهلوی تمام سوء استفاده ها را از احساسات و مواضع مذهبی توده های ناآگاه میکرد، با مانک انقلابیگری زمام امور را بدست گرفت و هر چه زمان گذشت و پایه های حاکمیت خود را بیشتر کرد، رژیم ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی خود را بیشتر آشکار ساخت.

با احیا و یاری سرمایه داری وابسته و انعقاد قراردادهای شرم آور با امپریالیستها (منجمله قرارداد با یک میلیارد دلار با شرکت "مک کلینی نالیوت" خریدهای کلان اسلحه از آمریکا و اسرائیل و کوه خونی متجاوز از ۲۰ میلیارد دلار خانه سازی ایران به بانکهای آمریکائی به ازای حل مسئله گروگانها و...) هیچ اثری از بحثی شعار "استقلال" که در رأس خواستهای توده های انقلابی ایران بود نمیماند (که با توجه به ماهیت ارتجاعی رژیم نمی توانست پیدا شود).

با سرکوب آزادیهای دمکراتیک که توده های ما بقیمت خون ده ها هزار شهید و واژگون کردن رژیم شاه بدست آورده بودند، با سیاران هاوکستار عام دهکده های کردستان که یادآور رسانهای اسرائیل در جنوب لبنان و کشتار خلق فلسطین در دهکده های دیر یاسین و کفرقاسم است، با دستگیریهای بی حساب نیروهای کمونیستی و انقلابی و سکنجه و اعدامهای بی محاکمه آنان، با کشتار دسته جمعی کارگران در دزفول و... با هجوم به خانه ها و تفتیش جیب و لباس عابران در خیابانها، با راه انداختن تفتیش عقاید در درون و بیرون و اجرای احکام براساس داشتن عقیده ای مخالف با سران جمهوری اسلامی، با این همه جنایت فاشیستی هیچ اثری از دومین شعار توده ها که "آزادی" بود باقی نماند.

خمینی که با کارآئی به شرح "حمایت از مستضعفین" را برافراشته بود و توده های ناآگاه را شیادانه زیر عنوان اسلام و معتقدات دینی فریفته بود و به آنان چنان وانمود کرده بود که "جمهوری اسلامی" همان رژیمی است که داروی دردهای توده هاست، طی ۲/۵ سال حاکمیت خود نشان داده است که کشور ما را به فضایی که ما دآور شرایط قرون وسطی است بکشاند. "دادگاههای" رژیم خمینی شبانه طی یکماه و نیم گذشته قریب ۲۰۰ تن از نیروهای انقلابی و کمونیست را که هر یک شبها سالها تلاش انقلابی توده های ما بوده اند به جوخه اعدام سپارده. روزی که خمینی به ایران بازگشت طی سخنی بر مزار شهیدان دوران انقلاب علیه رژیم، گفت: "رژیم شاه مخط گورستانها را آباد کرد ولی در مورد خودش کافی است بگوئیم اکثر گورستان عمومی تهران تنها ۱۷ قطعه داشت هم اکنون پس از ۲/۵ سال به ۸۷ قطعه رسیده است". رژیم ایران با جنایات و کشتارهای خود روی رژیم شاه خائن، روی رژیم پهلوی درنده ترین و روی آدمکشان نازی را سفید کرده است. در ایران طبق قوانین جدید هر گونه رابطه با سازمانهای انقلابی و کمونیستی، هر گونه کمک مالی و شرکتی، هر گونه اطلاع داشتن از افراد انقلابی و مطلع نکردن رژیم از آن، مجازاتش مرگ است. در کجای دنیا کودکان ۱۲-۱۰ ساله را بجرم در دست داشتن اعلامیه ای اعدام میکنند؟ کجای دنیا خواهر و برادر یک انقلابی را بجرم انتساب خانوادگی با او به جوخه اعدام می بندند؟ در ایران هیچگونه مخالفتی با رژیم حتی در فکر و عقیده مجاز نیست. هیچ نشریه ای، هیچ روزنامه ای هیچ تجمعی از افرادی که موافق رژیم نباشند مجاز نیست و مجازاتش حتی در حد داشتن و خواندن نشریه فقط اعدام است. سران رژیم صریحا اظهار میدارند که بجای یک گورستان، گورستان ایجاد خواهد کرد. کجای دنیا مرتجعان قانون وضع میکنند که هر کس در مظاهرات خیابانی شرکت کند و دستگیر شود میتوان او را تکه تکه اسیر است. کجای دنیا حکم به کسی مجروح میدهند؟ بسیاری از انقلابیون را که در درگیری با نیروهای ارتجاعی مجروح شده بودند روی تختهای بیمارستان اعدام کرده اند.

رژیم برای توجیه این جنایات ۲۴ ساعت تمام دستگاههای رادیو تلویزیونی، مساجد و مدارس و روزنامه های دولتی را از تسلیح علیه نیروهای انقلابی و وارد کردن انواع تهمت ها و دروغها بر ضد آنان پر میکند. رژیم در حالی از مبارزه با آمریکا و اسرائیل دم میزند و از رسانه های ایرانی بر علیه مطلع حمایت میکند که خود با کشتار کمونیستها و انقلابیون هیچ دست کمی از جنایات آمریکا در ویتنام و سیاهی و جنایات اسرائیل علیه خلقهای عرب ندارد.

کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی سراسر جهان! آنچه تا بحال یک لحظه کمی را نسبت به ماهیت ارتجاعی رژیم به اشتباه انداخته، ادعاهای پوچ و فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن خمینی است. ادعاهای حمایت از خلق فلسطین و دیگر خلقهای مبارز جهان جریپوشی برای سرکوب خلقهای ستمدیده ایران و نیروهای انقلابی و کمونیست آن است. تجربه سازمان آزادی بخش فلسطین که بیش از دیگر جنبش های رهائی بخش به رژیم ایران نزدیک شد بخوبی نشان میدهد که علیرغم ادعاهای دروغین رژیم در حمایت از خلق فلسطین تا کوچکترین کمکی به این خلق صورت نگرفت بلکه حربه استفاده از اسرائیل که از سال گذشته آغاز شد و اخیرا افتضاح آن با سقوط هواپیمای آرژانتینی حامل اسلحه اسرائیل برای جهانیان برملا گردید ماهیت واقعی این رژیم فریبکار و ضدانقلابی و ارتجاعی را بوضوح نشان داد.

اجرای نوامیس قرون وسطائی که براساس آنها میزان افرادی را به جرم ارتکاب جرائمی است که بدون توجه به شرایط اجتماعی و روانی وقوع جرم، سلاح رد، دست بریده، سنگسار کردن و یا اعدام میشود در ایران امری عادی است. قوانینی که براساس آنها زن نصف مرد میباشد، قوانینی که سالها پیش که غربیها ملغی کرده اند، توده های ما حتی تصور اعتقاد به چنین جهنمی را نمیدادند. توده های زحمتکش ایران در واژگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن، پیروزی انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی خویش را آرزو داشتند. انقلابی که راه را برای رهائی واقعی کارگران و زحمتکشان و برقراری سوسیالیسم بگشاید.

اوضاع زندگی میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان میهن ما روز بروز بدتر شده است. هم اکنون از ۴۵ میلیون جمعیت کشور قریب ۳ میلیون بیکار و ۲ میلیون آواره جنگی وجود دارد. اخراج دسته جمعی کارگران از کارخانه ها، صنوف هر گونه اعتصاب کارگران را تحت فشار قرار داده است. گرانی اندازه نرخ لوازم زندگی که گاه به چند برابر سرح اواخر دوره رژیم گذشته میرسد و کمبود آنها زندگی را برای زحمتکش و متوسط جامعه بسیار سخت نموده است. دوسال است که دانشگاه ها تعطیل اند و تحصیل کردگان و روشنفکران یا از کشور فرار کرده اند یا بیکار گشته اند. عمالیتهای علنی و فعال تعطیل است و استعدادها و نیروهای فرزندان خلق جز در سایه جنایتهای رژیم پیدا نمیکند.

ما خطاب به شما کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و مترقی سراسر جهان اعلام میکنیم که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، هم اکنون در سرکوب انقلاب ایران، از رژیم شاه گوی سبقت ربوده است.

ما شما را به یاری خلقهای ایران فرا میخوانیم. ما از شما میخواهیم که در تحقق آرمان واحد مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع در سراسر جهان مبارزه زحمتکشان ایران را هر چه بیشتر مورد توجه قرار داده و فریادهای ما را در دنیا منعکس کنید. رژیم خمینی دشمن خلقهای ایران است. رژیم ایران علیرغم فریادهای فریبکارانه ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی آن دست در دست آنها علیه خلقهای ایران و جهان توطئه میکند. رژیم ایران سرمایه داری وابسته را در ایران یاری کرده و میکند. رژیم ایران با جنایات خود گوی سبقت را از رژیمهای پینوشه، سوهارتو، نمیری و... ربوده است.

هم اکنون توهم توده ها نسبت به خمینی و رژیم جمهوری اسلامی بسیار فرو ریخته است. نارضایتی ها هر روز بیشتر میشود و اقدامات وحشیانه رژیم به تنها از اعتبار رژیم و حمایت توده ها از آن کاسته بلکه بتدریج به انواع مقاومت کشیده شده است. رشد روز افزون روحیه و مقاومت انقلابی توده ها علیه رژیم و وحشتی که رژیم از واژگونی انقلاب دارد و متجربه ایران شده است که ضد انقلاب با تمام وحشیانه به ضد انقلاب،

بقیه در صفحه ۸

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

- دوسال و نیم است که حمله و سرکوب در کردستان با دستور خمینی شروع شده است. با بمباران شهرها، در روستاهای کردستان، خمینی دهکده‌ها را به خاک و خاکستر کشید. اهالی بی‌دفاع روستاها، دهقانان، کارگران، زنان و کودکان را به مسلسل بستند و در مقابل چشم شوهران و پدرانشان به قتل رساندند. هزاران نفر را در سیاه‌چال‌ها و زندان‌ها شکنجه کردند. هزاران نفر را به جوخه‌های اعدام سپردند. خمینی و پاسداران او در کردستان جنایت‌های هولناکی مرتکب شده‌اند.

- در شهر مریوان، "شهید موعود" خمینی، دست‌اندرکار قتل‌عام کارگران و زحمتکشان بود. خمینی در مریوان دستگاه و آرمگاه و کتابخانه و حسینیه و مسجد و مرکز فرهنگی و ... برای آدم‌کشی و جنایت بنا کرده است. خمینی به آن دستگاه دست‌اندرکار قتل‌عام کارگران و زحمتکشان می‌گوید "مردم برای اسلام انقلاب کردند" نه برای نان و مسکن و آزادی! کسانی که در زندان خمینی به دست و پای حزب اللهی بوق و کرنا بسته شدند، کسانی که از شرف انقلابی برخوردار بودند، نظر خمینی را قبول نداشتند، مگر نه این است که خمینی می‌خواهد آن مردم را بکشد که وقتی به ایران آمد، مسجد و مدرسه و کتابخانه و حسینیه "کتاب الله" نیست که کتاب خدای ناکامی است! و بر خمینی است که اگر سرزمین خاص خود و خون و کشور زیستن را نداشته باشد، خمینی ما هیچ حساب نمی‌کرد. خمینی آخر گفته است "سال خمینی آمده، سال حکومت حزب الله در مدارس است". (اطلاعات، ۱۰ شهریور)

- در شهر موعود "خمینی" گروه‌ها و سرودهای کمونیستی و اسلامی با شهید و با سرود و شعار دور، دور سرمایه‌داران و مدافعان حزب الشیطان آسیا بیست که سال "امام" را در سرود دست آورده‌ایم است پورین می‌خوانند. روزنامه‌ها و مجله‌های آزاد اسلامی خیلی بسته‌اند. از معاملات و انجمن‌ها و سوراخ‌های اسلامی و مترقی هم "نیز" است بکنند. زنان را به همه حلال شرع خمینی است.

- خمینی عقاید درون و منطقی و اجرای احکام ارتجاعی ایران لایحه‌هایش، با به‌بها و بها است. زندانی و اسیر را باید کشت. اگر یک اسلامی و کمونیست مجروح شود باید او را کشت!

- اگر کسی در مبارزه‌ای مسلمان شود ولی سر اساس تحقیق و تفتیش علمی و درک منافع کارگران و زحمتکشان از این عقیده برگشت، مرتد است و خون حلال. خمینی هزاران را در کوریستان عمومی مسلمان شناخته‌ایم کرد. مسلمانی هم حلال است!

- در شهر خمینی حقوق انسانی یک غیرمسلمان در کنار یک مسلمان برابر نیست.

- در شهر موعود خمینی، زن نصف آدم می‌ارزد. زن در حد یک شیء قابل خرید و فروش جهت بهره‌گیری جنسی مردان می‌باشد. زن در شهر خمینی مسئول یک انسان کامل و مساوی الحقوق با دیگران شناخته نمی‌شود.

- در شهر خمینی مالکیت صنعتی و ارضی اکثریتی به خود زنان و اموال شاه آورده، دیگری دست زدولوت و غارت بردند. یک آقا شاه شناخته شده را فلج کرد. احکام شرعی دست و پا، شکنجه کردن و کشتن انسان‌ها، انجام حواس انقلابی بجرم مخالفت با شرکت در مبارزه ایران، انجام مجازات‌ها، دادن به یک اسلامی تحت شعار، با کشت مالی به یک سازمان اسلامی و کمونیستی - فرقه دموکرات کردستان ایران و ... همه از امرا و شعارات شهر خمینی است. اینها در دوره‌ها به شهر شده است.

- در شهر خمینی، همه باید آماده موضع شرعی باشند تا از رژیم سرمایه‌داران خمینی حمایت شود. خمینی ظاهرا همه را مسئله‌ای شرعی و واجب شرعی مشکل شرکت در انتخابات یا جانشینی کردن با نوادها علیه سرزمین انقلابی و کمونیست‌ها ولی برای همه این شرعیکا و بها و احکام شرعی بروشه‌ای برای شهر خاکیت سرمایه‌داری شده.

- در شهر خمینی احساسات و عواطف مذهبی مورد بازی رژیم ارتجاعی خمینی است و او حضور بیواهد و در راه شهر رژیم سرمایه‌داری از آن احساسات استفاده می‌کند. هر چیزی که در سرور حلال شود می‌تواند امر و حرام باشد و با لعکس. در حالیکه در سیاست برای ارتش در کشور واجب بود، امر و حرام است. برای دادن زنان در سرور حرام بود، امر و واجب است. مبارزه علیه حقوق در سرور واجب بود، امر و حرام است. در سرور زندان بود، امر و حلی لازم است. شکنجه در حقوق در قانون اساسی شرکان ممنوع بود، امر و واجب شده است. خمینی با تجربه‌ترین سوءاستفاده از موقعیت مذهبی خود و احساسات توده‌های ناآگاه و با مرتب کشتن توانایی‌ها از مردم را ای کرده است.

کسی که به رهائی برای مذهب مبارزه با خدا است و مسئول خمینی "زن در سایه این حرام است و با به مسئول شود"!

- در شهر موعود خمینی احساسات بسیاری و خانوادگی هم تاریخ است. خمینی مردم را به جانبی علیه یک دیگر می‌خواند و در حرب با واک شاه، با روی هم رسیدن مبارزات با واکنش‌های تازه یکا رسرکشه و "تاوا ما" با رسان اطلاعات کشور (ساک) را بوجود می‌آورد و از با رسان اطلاعات ۳۶ میلیونی دم می‌زند. امام با رسانه‌ها و آزاد و روشن است که خمینی انقلابی که در مبارزه شکنجه و اعدام سرار را ریخته و توده‌هائی که در مبارزه شکنجه شده سرجز سازمان اطلاعات مبارزه می‌کند!

جلادان شهر شهر، سرایا و شعارات زیادی دارند: شعار "حوی شیر و نسل" در آن از خون انقلابیون و کمونیست‌ها و خلقهای شهیدهٔ ایران، موجها جاری است. با گشایش این شهر را سرمایه‌داران و بوکران مکتبی آنها شکل مذهب که جلادان آنان همواره "در خدمت" آماده‌اند با کارگران و زحمتکشان انقلابی و مبارزه را به "جرم" ملحد و محارب بودن به یکی از کورستان‌های غارتگرانه‌ای که وعده‌ای را داده‌اند بفرستند. خمینی دست رژیم‌ها را در آبادکردن قبرستان‌ها ارزیت بسته است. هم اکنون رژیم اجساد پاک و خونین کمونیستها را به "آرامگاه بلشویکها" که در زبان رژیم به گورستان لعنت آباد معروف است می‌فرستد اما آرامگاه‌های شرح شهیدان کمونیست که در مبارزه برای رهائی ضد کارگر مقاومت و سردی بلشویک وارد داشته‌اند، همچون پرچمی شرح تسریعی افراد تا شعار ضدای این جهنم‌سوزان ساخته و بیرداخته سرمایه‌داری را از بوغ این جلادان خون‌آشام از بین بردن این انتقام تا زیبا به دار رها شاردو بهشتی در حرکا رکران و زحمتکشان بشاکید، جمهوری دموکراتیک خلق نیرو برای جمهوری اسلامی بشاشود و آفتاب بهار تو سوسیالیسم را با آغوش باز پذیرا گردد. سرانجام خمینی این باغبان دروغین بهشت واپس با تک راستین دوزخ کنونی ایران، همراه با همه همدستان شقاوتش، بدست توانای توده‌ها، در اعماق زباله‌دان تاریخ فرو خواهد افتاد. آنروز حتمی است.

بقیه از صفحه ۲ گزارشی از ...

آمده است:

در همین روز شهادت ۲۳ روز شهید دلاور شش کشته اول از رک روان اخیر شهیدان موضع شهیدان گزارش داشت. آموزش از درس است که آنان با خون بسیار که خونین به ما دادند. شهیدان بزرگداشت، ادامه آموزشان راهی است که آنان مرحله ما شهید آموزشان شهیدان محسن از آن شهیدان، وفاداری به آرمانشان رهائی کارگران و زحمتکشان است که آنها خون خونین را در سودای محض آن گذاشته‌اند.

ما در رهائی آن شهیدان، بوکشاد شکستیم که آن غرور را با آمرانه دهم فشار را پیشتر برابر امانات بزرگوشتر اندوختیم رژیم‌ها و خمینی بلشویک وارد ادامه ما هم، در این راه‌های مختلف و خانواده‌های کارگران و زحمتکشان، با خانواده‌های کمونیستها و انقلابیون بلشویک‌ها و اسلامیون و کمونیستهای دیگر ما شد، با ما به آخر این راه وفادار هم".

رفقا!

با تقدیر از کمک‌های مالی شایان توجه و گرانبهای شما، کمک‌های مالی خود را از هر طریق ممکن برای سازمان ارسال نمایید.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱۲ قیام...

سرمایه‌داران و استقرار حاکمیت توده‌ها، با تبیین مسلح سرمایه‌داران را تنها توده‌های مسلح است که میتوانند درهم بشکنند. هیچ انقلابی بدون قهر مسلحانه توده‌ها امکان پذیر نیست. تنها بورژوازی و مزدورانش هستند که به امکان نقش انقلابی و تعیین کننده مبارزه مسلحانه میپردازند. رویزیونیستها این بورژوازی ارتجاعی در لباس مارکسیسم، همواره کوشیده‌اند برای نجات امپریالیسم و سرمایه‌داری از مرگ، امکان نابودی سرمایه‌داری از طریق مسالمت‌آمیز، پارلمانی و... را موعظه کنند. از برنشتین تا کائوتسکی و خروشچف و برژنف و... همپالکی‌های مزدورشان همواره امکان نابودی سرمایه‌داری را از طریق مسالمت‌آمیز موعظه کرده‌اند. اما آموزشهای مارکس، انگلس، لنین و استالین و تجربیات تمامی انقلابات تاریخ، رسوا گر چهره کریه این سرمایه‌داران در لباس مارکسیسم است. لنین در پاسخ به تحریفات رویزیونیستهای خائن در کتاب دوران تمایز "دولت و انقلاب"، با قاطعیت ابراز میدارد که قهر مسلحانه تئوریک و اساس مارکسیسم و قاعده عمومی در تمامی انقلابات تاریخ است. لنین به نقل از انگلس در مقابل از انقلاب قهری چنین می آورد: "... درباره این که قوه قهریه در تاریخ نقش دیگری نیز ایفا میکند علاوه بر عامل شریرتر بودن، که همانا نقش انقلابی است درباره این که قوه قهریه، بنا به گفته مارکس، برای همه جامعه کهنه‌ای که آبستن جامعه نوین است، مانند مامائی است. درباره این که قوه قهریه آنچنان ملاحظاتی که حتی اجتماعی توسط آن راه خود را هموار میسازد و مشکلهای سیاسی متحجر و مرده را درهم میشکند، درباره چیزی از اینها آقای دورینگ سخن نمیگوید" (دولت و انقلاب). و سپس لنین گسترده‌تر در مورد ضرورت رویزیونیستی کائوتسکی میگوید: "ضرورت سرنگونی تئوریک توده‌ها نتیجه که ما این نظریه و همانا با این نظریه انقلاب قهری مطلقیت داشته باشد، همان نکته است که با لوده تمام آموزش مارکس و انگلس را تکمیل میدهد". (همانجا - تاکید از ماست) بدین ترتیب متوجه میشویم که در مارکسیسم لنینیسم قهر و انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی مقام ویژه‌ای دارد و مارکسیسم بر روی هر گونه تلاش طبقاتی قلم بطلان می‌کشد. در شرایط کنونی جهان، تمامی در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری، در زمانیکه امپریالیسم بین از پیش محتضر و برای نجات خویش بیش از پیش به تسلیحات و نظامیگری روی آورده و بورژوازی حاکم در کشورهای گوناگون جهان (چه بورژوازی کشورهای امپریالیستی و یا سوسیال امپریالیسم و یا دیگر کشورهای بورژوائی و یا بورژوا - رویزیونیستی) برای نجات خویش از انقلاب پرولتاریائی به سرسپرده تکیه زده‌اند، بیش از پیش، نجات آموزشهای پرکتیک سوسیالیسم را میتوان دریافت.

قهر انقلابی توده‌های مسلح، قاعده عمومی انقلاب در تاریخ و تئوری توده‌ای مارکسیسم است. ماشین دولتی بورژوازی باید خرد شود. حامی پرکوب طبقات استثمارگر باید درهم کوبیده شود و دولت نظم نوین، حاکمیت زحمتکشان و بالاخره دیکتاتوری پرولتاریا برای پایان بخشیدن به حاکمیت استثمارگر و نیز برای پایان بخشیدن به هرگونه دولتی و از بین بردن طبقات باید مستقر گردد و در این راه هیچ چیز زیباتر از چشن زحمتکشان که با آتشفشان گلوله‌ها بر روی بورژوازی آغاز میشود نیست. کمونیستها از شکوه‌ترین پرسوری که کارگران و دیگر زحمتکشان تحت رهبری کمونیستها به پادگانها و زرادخانه‌های سرمایه‌داران و امپریالیستها یورش میبرند و توپخانه‌های ارتش سرخ کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داران را درهم کوبید، احساس غرور و افتخار میکنند و بورژوازی از احساس ناقوس مرگش در فردای سرخ آزادی کار، هم اینک بر خود میلرزد. آری یکذار آتش مسلسلهای کارگران سینه بورژوازی را بدرد و توپهای کارگران و زحمتکشان ارتشهای نیرومند امپریالیستها و سرمایه‌داران را نابود آورد. روزه‌های رویزیونیستها هرگز نخواهد توانست ارد رهم کوبیده شدن بورژوازی جلوگیرد. کمونیستها عاشق خونریزی نیستند، اما برای از بین بردن سرکوب و استثمار و گشتار و شکنجه و زندان، مجبورند گلوله‌های بورژوازی را با گلوله، و آتش و خون را با مسلسل پاسخ گویند. تنها و تنها با این راه خواهد بود که در فردای پیروز کمونیسم در سراسر جهان دیگر از کشتار و سرکوب و شیرباران و شکنجه خبری نخواهد بود. برای رسیدن به این هدف باید آن طبقه‌ای را که جز استثمار و سرکوب چیزی به ارمغان نمی آورد و دولت حامی آنرا با قهر مسلحانه درهم کوبید. بخاطر رهائی کار و ساختن جامعه نوین فردا است که کمونیستها عاشقانه قیام مسلحانه توده‌ها را تدارک می بینند. آری کمونیستها عاشق انقلابند... چرا که برای رهائی زحمتکشان پیکار میکنند. پس زنده باد انقلاب! زنده باد قهر مسلحانه توده‌ها! زنده باد آتش سمنک. آنهنگام که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان آنرا بسوی دشمن استثمارگر بیرون آورند! زنده باد قدرت سیاسی کارگران و زحمتکشان که تنها از لوله سمنک بیرون میآید! زنده باد آن تفنگی که در کنار دامن و چکمه کارگران قرار گیرد! زنده باد آن تفنگی که چکمه کارگران رهبرش باشد! پیروز باد آن ارتش سرخی که با نیروی مسلح توده‌ها تحت رهبری طبقه کارگر امپریالیسم و سرمایه‌داران را بگور خواهد سپرد!

۲- قانونمندی قیام و جنگ مسلحانه توده‌ای

اما اگر قهر مسلحانه، قاعده عمومی هر انقلاب و تئوری مارکسیسم است و همانگونه که لنین میگوید مورد تمامی کمونیستهاست، آیا این بدان معناست که در هر کشور که بخواهیم میتوانیم به این قاعده عمومی و به اصل "مامای جامعه نوین" متوسل شویم؟ مارکسیسم- لنینیسم بر چنین بیماری کودکی و چنین تمایل بازی خرده بورژوائی از تئوری مارکسیستی جنگ مسلحانه خط بطلان میکشد. مارکسیسم میگوید، مبارزه مسلحانه امری تاکتیک و اجتناب ناپذیر است. مارکسیسم میگوید، مبارزه مسلحانه عالیترین شکل مبارزه انقلابی است. مبارزه مسلحانه توده‌ها، جنگ کمونیستها است. اما تنها یک کاسبکار خرده بورژوا که تحت فشار سرمایه ارعشی سقوط کرده است، این تئوری را به بیکوسه می‌نهد که هر موقع دلش خواست یا هر موقع بیش از پیش تحت فشار قرار گرفت و هر موقع تمایلات آنتین او راهی برای ارضاء می یافت، با بیتی دست به اسلحه برد. تئوری جنگ مسلحانه یک تئوری علمی است در رسیدن با واقعیات سروکار دارد نه با ذهنیات بر آشفته و خشمگین خرده بورژوا ها. آری، جنگ مسلحانه مامای هر جامعه برای متولد کردن جامعه طراز نوین است. اما هر مامای مبتدی نمیرسد اندکه هر موقع که دلش بخواهد نمیتواند مرز ایمان را به پیش ببرد. روشنفکر انقلاب، یک روند قانونمند است، با ذهنیات خود نمیتوان به جنگ این روند رفت. بلکه با بینش این روند را شناخت و آنگاه به آن پاسخ گذاشت. کمونیستها معتقدند که انقلاب کار توده‌هاست و بدین ترتیب اشکال مبارزه خود را منطبق بر سطح جنبش توده‌ای برمیگزینند و با سرکردگاریهای آقایانه‌شان میکوشند پیوسته مبارزات توده‌ها را ارتقا بخشیده و آنها را مشکل و آگاهانه به اشکال عالیتر جنبش بکشانند و یا آنها را در همه مبارزاتشان رهبری می کنند. مارکسیسم- لنینیسم پرتاکتیکی مبارزه مسلحانه عینا واقف است و نیز میداند که دوره‌هائی در تاریخ تکامل هر جامعه‌ای می آید که توده‌ها قهرمانانه مرگ را به پیرامون میشوند. و موج موج در مقابل تانکها می ایستند و بی آنکه قدمی به پس بگذارند دلاورانه می جنگند. این دوران مرحله‌ای است که پاشنه‌های دیگر نمیتواند جانشین استثمار و سرکوب طبقات استثمارگر را تحمل کند و رمق زیر پای بالاتیها را آنقدر داغ کرده است که بالاتیها سرنمیتوانند مانند سابق بر پاشنه‌ها حکومت کنند. بحران عمیق همه عرصه‌ها، اقتصادی و سیاسی و... جامعه بیمار را در هم نوردیده و توده‌ها برای انقلاب بپا خواسته‌اند در همین زمینه لنین میگوید: "قانون اساسی انقلاب که تمام انقلابها و از جمله سه انقلاب روس در قرن بیستم آنرا تائید نموده‌اند از این قرار است: برای انقلاب کافی نیست که توده‌های استثمارشونده و ستمکش به عدم امکان زندگی به شیوه سابق پی ببرند و تنها بر آنرا طلب نمایند. برای انقلاب ضروری است که استثمارگران نتوانند به شیوه سابق زندگی و حکومت کنند. فقط آن هنگامی که "پائینی ها" نظام کهنه را نخواهند و "بالائی ها" نتوانند به شیوه سابق ادامه دهند، فقط آن هنگام انقلاب میتواند پیروز گردد."

(بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم). در چنین شرایطی با بینی به تنها با تمام نوابغ تئوری قیام مسلحانه (و در کشورهای سه دنیا دال - سیمه مستعمره جنگ مسلحانه توده‌ای) برخاست. بلکه در مواقع ضروری دست به سرور سرخ (برای نابودی بحران سیاسی اهمیت ارتش و دستگاه بوروکراسی) زد.

آری، مبارزه مسلحانه تاکتیک است. اما تنها پیش از اینکه جنبش توده‌ها، یک روند تاریخی گردد. پس از آنکه از پیش یک بحران عمیق که سرمایه داری پوسیده در خدمت یکپارچه رشد آن گام برمیدارد، توده‌ها به مبارزه کشیده شوند و مبارزه از یک انقلابی و یک بر آمد وسیع نیروی موثر انقلابی رو آورد. موقعیتی که توده‌ها دیگر حاضر به حکومت جامعه‌ای برای آنها انقلاب کرده‌اند. از این دوران تاریخ جهان سراغ داریم. دوره‌هائی در سال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ در روسیه و همینطور از ۱۷ شهریور ۵۷ سعید در میهنمان را میتوان نمونه شاهد ذکر کرد.

کمونیستها متی کودتاچی و یا توطئه‌گر نیستند. آنها به ضرورت جنگ مسلحانه معتقد بوده و مسئله کسب قدرت سیاسی را در ارتباط با طبقه و توده‌ها میبینند. آنها انقلاب را برای توده‌ها و بدست توده‌ها میخواهند و میدانند که هر حرکتی جز این، هر کوشش انقلاب را سر خود بخواهد گرفت. انقلاب را با بینی توده‌ها به انجام برسانند. پس با بینی توده‌ها را برای انقلاب آماده کرد. جزر و مد جنبش توده‌ای را مورد توجه قرار داد و مطابق با آنها تاکتیکهای خود را برگزید و اشکال متنوع مبارزه طبقاتی را بدست گرفت و در هر دوره به یکی از اشکال عمدتا توجه داشت. انواع مبارزات اقتصادی، اعتصابات اقتصادی و... انواع مبارزات سیاسی، تظاهرات و اعتصابات سیاسی و... سرانجام در

بقیه در صفحه ۶

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

قیام و جنگ مسلحانه توده‌ای یا ترور یسم جدا از توده

اکنون بار دیگر سرود و مبارزات چریکی شهری به صورت یک مسئله اساسی در جنبش انقلابی ما درآمده است. مسئله‌ای که می‌بایست با نظر به ابعاد عظیم بودجه در عمل، در یک مرحله از تاریخ مبارزات انقلابی میهنمان (از سال ۲۹ ببعد) برای زحمتکشان پیشرو و انقلابیون ما اکنون بصورت مسئله‌ای کهنه و حل شده طرح میگردید. اما متاسفانه بنا به دلایلی که در اینجا به آن نمی‌پردازیم، این مشی که امکان جمع آوری انقلابیگری خرده‌بورژوازی است، بار دیگر بصورت یک انحراف مهم در جنبش انقلابی ما رخ نموده است و هم آنان که دیروز در پی یک مشی رفرمیستی از مبارزه برای سرنگونی کل قدرت سیاسی سرمایه‌داری وابسته خم میشوند و آنگاه با پیشیان و مسلم با تلویحی به حمایت از لیبرالها برخاسته بودند (و امروز نیز خود را هم‌جبهه و متحد بنی صدر خائن قرار داده‌اند) اینک علمدار انقلابیگری خرده‌بورژوائی گردیده‌اند و این هم البته عجیب نیست. نیروهای متزلزل خرده‌بورژوازی و یا کمونیستهای آلوده به انحرافات رویزیونیستی، ما هر تاکتیک بورژوازی به توان و تیغ خوردن می‌افتند، هرگاه که تاکتیک بورژوازی سیاست سرکوب خشن و آنگاه را در پیش میگیرد. جدا از آن محض که به اعتدال و یا سیاست دچار میشود در سیاست و تاکتیک به راست منحرف میگردد، نیروهای منحرف دیگر روی‌سوی آنارشیسم می‌کنند و بجای رهبری مبارزات توده‌ها و بسیج و آماده کردن آنها برای پیکار قطعی، به سپردن تن خدا از توده مشغول میشوند، و آنگاه که بورژوازی در طاغوت روی خویش نشان میدهد و در "تاغ سبز" اعلامیات و رفرم را می‌نماید. این نیروها آنگاه را به رفرمیسم و مداحی مستقیم و غیر مستقیم بورژوازی مشغول میشوند و چنین است سرنوشت سازمان مجاهدین خلق که روزی میلیتانتیش را در اختیار مبارزات ارتجاعی میگذاشت تا با امپریالیسم بجنگند (در جریان حمله هوایپماهای آمریکائی به طبس، اوروزی لشکر بنی را در جهت هوراکشیدن برای دانشجویان حزب جمهوری اسلامی در جریان گروگان‌گیری در اطراف جاسوسخانه آمریکا گردهم آورد و روز دیگر میلیتانتیش سپاهی لشکر میلیشیاهای بنی صدر لیبرال بود و گاه در حفاظت از سخنرانیهائی چون ۱۲ اسفند، و امروز همان سازمان در گیر جنگ چریکی با حزب جمهوری اسلامی، ما پیش از این (در نشریه شماره ۱۱۲) نظر خود را درباره تاریخی مشی چریکی جدا از توده‌ها برداشتیم. اینک با به آن میپردازیم تا توضیح بیشتر مارکسیسم در مورد جنگ مسلحانه است، چرا که تنها و تنها مارکسیسم است که به تبیین علمی جنگ مسلحانه و ارزش واقعی آن در تاریخ تکامل جوامع بشری پرداخته است و انقلابیگران خرده‌بورژوا تنها به یک کپیه‌برداری ناشیانه از آن دست میزنند و جوهر واقعی و انقلابی آنرا تحریف میکنند و به رویزیونیست

- های خائن و بورژوازی فرصت میدهند تا به این بهانه جنگ مسلحانه این "ما مای جامعه‌نوین" را البته مرورا نه در هیئت سپردن تن به تن چریکی مبارزه حمله بگیرند. در حالیکه در مارکسیسم جنگ مسلحانه، سپردن به بنی وجدا از توده نیست بلکه طوفانی است توده‌ای که غران و غرنده سیاسی و تنظیم یافته و گهنه را درهم میکوبد و ابزار سرکوب طبقات مستبد، یعنی ماشین دولتی را خرد میکند و درهم میپاشد. در مارکسیسم فقط مبارزه سیاسی و مسلحانه خودکارگران و زحمتکشان است که قادر است نظم کهن را برچیند و انقلاب را تحقق بخشد. لنین کبیر میگوید: "همچگونه مبارزه‌ای" افراد تحصیل کرده با کارگران و همچگونه مبارزه دلیرانه تروریست - های مفرد نمیتوانند به ارگان حکومت مطلقه، تزار و قدرت مطلق سرمایه‌داران لطمه وارد سازد. فقط مبارزه خودکارگران و فقط مبارزه مشترک میلیونها نفر قادر به انجام این عمل بوده و بمحض اینکه چنین مبارزه‌ای روبه ضعف گذاشته ملاحظه بین گرفتن آنچه که کارگران بدست آورده بودند آغاز گردیده است"

(درسهای انقلاب)

آری اگر ما با ترور بنام مخالفیم، بدین خاطر است که عملا به تئوری مارکسیستی قهر انقلابی بدینسان که "ما مای جامعه‌نوین" وفادار بیم و هرگز اجازه نخواهیم داد دمکراتهای خرده‌بورژوا با کمونیستهای آلوده به رویزیونیسم از این "ما مای جامعه‌نوین" کاریکاتوری خرده‌بورژوائی بسازند که تنها ارضاء کننده تمایلات آنتنی انتقامجویانه‌شان باشد.

۱- مقام قهر انقلابی در تاریخ

هیچ مکتب انقلابی را در سراسر تاریخ نمیتوان یافت که صاحب ایدئولوژی طبقه کارگر به سیاست مقام واقعی جنگ مسلحانه پرداخته باشد. طبقات ستمدیده و استثمار شده در سراسر تاریخ آنگاه که کار به استخوانشان میرسید، به ناچار به نبرد مسلحانه با برده‌داران یا فئودالها می‌پرداختند. اما این وظیفه آموزگاران طبقه کارگر بود که نقش واقعی قهر انقلابی را برای طبقه زحمتکش کارگر و متحدینش در انقلاب روشن نمایند. مارکس و انگلس در بسیاری از آثار خود به این مسئله اساسی و بنیادین مارکسیسم پرداختند. آنها روشن کردند که دولت فشرده و چکیده طبقه تسلط اقتصادی است و از همان هنگام که جامعه طبقاتی تشکل میگیرد، دولت نیز بعنوان ارگان سیادت طبقاتی و بعنوان ابزار سرکوب طبقه مسلط اقتصادی پدید می‌آید. دولت حامی طبقه استثمارگر است. دولت نگهبان وحدمنکر طبقه استثمارگر است و اما این دولت چیزی نیست مگر بوروکراسی و ارتش دائمی و بخصوص قدرت واقعی در این دولت بیش از همه متوجه نیروهای مسلح است. پس دولت بیش از همه، لشکری

تا پس دندان مسلح است که وظیفه‌اش سرکوب طبقات ستمدیده است. رندان، تفنگچه، تیربازان، بیدادگاههای ارتجاعی و... همه و همه در خدمت آن است که استثمار زحمتکشان بوده و فلیپنی صاحب ابزار مولید داده باید. دولت در حاکمیت طبقاتی ماری است که بر یک تاسه گنج واقعی در این جامعه یعنی دسترنج زحمتکشان نگهبانی میکند و کارش مجازات هر آن کسی است که بر علیه استثمار زحمتکشان و سرکوب و کشتار انقلابیون به مخالفت برخیزد و بدین صورت است که مبارزه طبقه ستمکش برای رهائی از طبقات استثمارگر تنها و تنها ارگانال مبارزه برای سرنگونی دولت طبقه استثمار - گر و حرکت در جهت برپائی دولت رهبر و متحد تاریخی استثمارشدگان یعنی دیکتاتوری پرولتاریا میگردد (که البته در جوامعی مانند ایران ارتجاعی دولت کذا ریعنی جمهوری دموکراتیک خلق نیز باید کذرکرد.)

اگر طبقات استثمارگر، لشکر پائین دندان مسلح دارند که وظیفه‌شان سرکوب استثمارشدگان است، پس چگونه زحمتکشان باستی رهائی یابند؟ مگر نه اینست که قهر ضد انقلابی استثمارگران باید با قهر انقلابی زحمتکشان درهم شکسته شود؟ آیا کارگرانی که در حرا عتصاب با قوای مسلح بورژوازی روبرو هستند و با هر تظاهرات گلوله‌های مکهای هار سرمایه‌داران سینه‌شان را می‌درند و در مبارزه‌شان برای رهائی از استثمار و هوار به سرمایه‌داران استثمارگر مواجه هستند، میتوانند با "صلح و صفا و آرامش" و یا با "خواهش و تمنا و نذر" استثمارگر سرکوب را از بین ببرند؟ به وهراران بار نه! سرمایه‌داران کارگران و زحمتکشان از استثمار و بدست رهائی سرمایه‌داران و حاصل دسترنجشان را از حلقوم سرمایه‌داران و امپریالیستها و عاملان بیرون میکشد که حامی سرکوب آنان را درهم بشکند. دولت طبقات استثمارگر، آلت ظلم و سرکوب، کشتار و رندان و حافظ سرمه زحمتکشان است. این دولت اسلحه پوسیده که باید راه جلوی راه زحمتکشان برداشته شود. این دولت کهنه باید بجای جایش را به قدرت سیاسی کارگران و زحمتکشان بسپارد. قدرتی که بجای سرکوب کارگران و زحمتکشان، سرمایه‌داران و یا بادی امپریالیستها را سرکوب کند و دولتی که از آن کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برپا شده و حافظ منافع آنان باشد.

اما قدرت سیاسی تنها از لوله تفنگ بیرون می‌آید.

ماشین جنگی سرمایه‌داری را تنها باید با جنگ مسلحانه توده‌ای درهم شکست. انقلاب عمل زحمتکشان مسلح با سرب و تفنگ بر علیه بحثی دیکتاتوری اهالی است. انقلاب مفهومی ندارد مگر درهم شکستن ماشین دولتی

بقیه در صفحه ۱۱

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org